



● برای دریافت نسخه الکترونیک اسکن کنید

شماره هفتم، آذر ۱۳۹۸
قیمت: ۵۰۰۰ تومان



هشتاد و نهمین
سالگرد تأسیس کانون وکلای
گرامی باد

ماهنامه حقوقی وکلا
www.vokalamag.ir

می‌توانید برای پرداخت هزینه نسخه الکترونیکی (۱۵۰۰ تومان) یا اشتراک نسخه کاغذی
برای حمایت از این نشریه مستقل
اینجا کلیک کنید

نگاهی به تاریخچه تأسیس کانون وکلای دادگستری در ایران

در این شماره می‌خوانید:

- موضع‌گیری کانون وکلای عراق
حضور در صحنه تحولات اجتماعی
- گاندی؛ وکیلی که پدر ملت شد
- کانون وکلای قزوین؛ خیرالوجودین در شفافیت
وکالت و چالش‌های اخلاقی



دکتر فرامرز قراملکی:
وظیفه وکیل نه کشف حقیقت،
بلکه وفاداری به آن است



قاضی رستمی درونکلا:
عدم استناد قضات به
اسناد بین‌المللی نیازمند دلیل
و توجیه است و نه بالعکس



دکتر صادق نژاد:
بسیاری از موارد تهاقت در
آرای قضایی ناشی از ماده
۶۳۷ قانون تعزیرات است

سرمقاله



سیاوش هوشیار
وکیل پایه یک دادگستری

رأی اعتماد در شیراز

مدیران کانون‌های وکلای دادگستری برای سی‌وسومین بار و این بار در قطب شعر و غزل ایران گرد هم آمدند تا در قالب مجمع عمومی اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران، علاوه بر انجام هم‌اندیشی معمول، انتخاب هیأت‌رئیس اتحادیه را هم انجام دهند.

در ادوار گذشته این ایراد عمده به همایش‌های اسکودا وارد بوده است که علی‌رغم صرف هزینه‌های هنگفت برگزاری، خروجی چشمگیری نداشته‌اند. این نکته یک سال قبل موجب انتقاد بخشی از هیأت‌مدیره کانون وکلای مرکز شد و نهایتاً طی مصوبه‌ای از جمله به دلیل اعتراض به برگزاری دو همایش در هر سال، همایش سی‌ویکم را تحریم کردند.

همایش سی‌وسوم اما در حالی برگزار می‌شد که هم از لحاظ بستر زمانی و هم از جهت برگزاری انتخابات هیأت‌رئیس اتحادیه از ویژگی خاصی برخوردار بود؛ ماه‌های گذشته همراه با تشدید تحرکات علیه استقلال کانون‌های وکلا و با چشم‌انداز آینده‌ای پر خطر سپری شده بود. از سوی دیگر تردیدها درباره سکاندار دوره دو ساله پیش روی اتحادیه، حدس‌ها و گمان‌های مختلفی را مطرح می‌ساخت.

دکتر شهبازی‌نیا که دو سال قبل با اکثریت مطلق آرای مدیران کانون‌های وکلا در اهواز توانسته بود جانشین بهمن کشاورز شود، اداره اتحادیه را، شاید در سخت‌ترین دو سال تاریخ وکالت کشور، در حالی پشت سر گذاشت که می‌توان به او نمره قابل قبولی داد. با اینحال او تنها ۳ روز پیش از آغاز همایش و به رغم آنکه پیش‌تر از «تصمیم قطعی» خود مبنی بر عدم نامزدی خبر داده بود، برای ریاست اسکودا در دوره جدید ثبت نام کرد.

رفتار مجمع عمومی اتحادیه در انتخاب رییس، و رأی اکثریت مطلق در مرحله اول انتخابات به نوعی رأی اعتماد و اعلام حمایت از شیوه اتحادیه در مقابل چالش‌های اخیر و وجود درک عمومی از وضعیت خاص فعلی و اراده جمعی برای پاسداری از استقلال نهاد وکالت در کشور دارد.

هرچند اختلافات درونی جامعه وکالت قابل انکار نیست اما استقلال کانون وکلا همچون ریسمانی استوار موجب همدلی و هم‌سویی جمعی همه اجزای آن و از جمله مدیران کانون‌های وکلا بوده است. وکلای دادگستری در سال‌های سخت اخیر با درک صحیح شرایط به خوبی نشان داده‌اند که هیچ نفعی مقدم بر حفظ استقلال کانون وکلا برایشان وجود ندارد و باید هرچه دارند برای این اصل جوهری وکالت صرف کنند.

حضور مدیران جوان و توانایی چون دکتر عیسی امینی و دکتر مرتضی شهبازی‌نیا در صدر دو نهاد عمده وکالت کشور، علی‌رغم آنچه گاهی در قالب اختلاف میان ایشان دیده شده است، ترکیبی مؤثر و پرتوان در مدیریت چالش‌های سنگین و عبور از دست‌اندازهای مهیب ایجاد کرده است.

گزارش روند انتخابات هیأت مدیره اسکودا؛

حذف و اضافه در دقایق پایانی

سید صادق اردوبادی

از این سه حقوقدان برجسته تا پیش از آغاز انتخابات انصراف خود را اعلام کردند و رقابت نهایی میان دو نامزد (دکتر کوشا و دکتر شهبازی‌نیا) صورت گرفت.

نتیجه این مرحله از رقابت پیروزی رئیس فعلی اسکودا بود و دکتر شهبازی‌نیا با کسب ۹۵ رأی از مجموع ۱۳۴ رأی مأخوذه برای یک دوره دو ساله دیگر به‌عنوان رییس اسکودا انتخاب شد.

اما روند انتخاب نواب رئیس و بازرسان اسکودا از حساسیت بیشتری برخوردار بود. در این دوره بر اساس آخرین آمار ارائه شده ۶ نفر برای انتخاب نایب‌رئیس اول و دوم و ۶ نفر نیز برای احراز سمت بازرس اصلی و علی‌البدل این نهاد به رقابت با یکدیگر پراختند که در مرحله اول هیچ‌یک از داوطلبان نتوانستند حائز حداقل رأی لازم برای احراز این سمت‌ها شوند.

نهایتاً در دور دوم دکتر علی پزشکی به‌عنوان نایب‌رئیس اول و ابراهیم کیانی به‌عنوان نایب رئیس دوم اسکودا برگزیده شدند. همچنین از بین داوطلبان احراز سمت بازرسی نیز امیرحسین سجادی به‌عنوان بازرس اصلی و حسین حجتی به‌عنوان بازرس علی‌البدل اسکودا از سوی رأی‌دهندگان انتخاب شدند. گفتنی است دوره جدید هیأت رئیسه اسکودا از دی ماه شروع به کار خواهد نمود. دوره‌ای که تلاش وافر هیأت مدیره جهت حفظ استقلال و استیفای حقوق کانون‌های وکلا را می‌طلبد. ■

انتخابات هیأت‌مدیره اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری در بیست و دومین روز از ماه آبان و در اولین روز نشست سراسری کانون‌های وکلا در شهر شیراز برگزار شد. انتخاباتی که در آن مرتضی شهبازی‌نیا موفق شد برای یک دوره دوساله دیگر ریاست اسکودا را عهده‌دار شود.

یکی از حاشیه‌های جالب توجه این انتخابات که به صورت الکترونیکی برگزار شد، انصراف برخی نامزدها و جایگزین شدن برخی دیگر تا روز انتخابات بود. اگرچه آخرین لیستی که توسط اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری منتشر شد، خبر از رقابت هفده نامزد از یازده کانون وکلای دادگستری می‌داد، لیکن این لیست تا دقایقی پیش از برگزاری انتخابات دستخوش تغییر شد و از هفده نفر به چهارده نفر کاهش یافت.

از جمله این تغییرات کاندیداتوری لحظه آخری دکتر شهبازی‌نیا و دکتر پزشکی (نایب‌رئیس اسکودا) چند هفته پس از انتشار لیست نامزدهای انتخاباتی بود. بر این اساس مرتضی شهبازی‌نیا در روز ۱۸ آبان با ارسال نامه‌ای به علی پزشکی خبر از کاندیداتوری خود برای ریاست اسکودا داد. نامه‌ای که یک روز پیش از برگزاری انتخابات پاسخی متقابل یافت و علی پزشکی نیز در نامه‌ای به مرتضی شهبازی‌نیا نامزدی خود را برای کسب سمت نایب‌رئیس اسکودا اعلام کرد.

گرچه در لیست اولیه اسامی نامزدها، نام دکتر علیرضا آذربایجانی، دکتر عباس کریمی و دکتر جعفر کوشا به چشم می‌خورد، دو تن

ردیف	نام	نام خانوادگی	تعداد رأی
کاندیداهای ریاست			
۱	مرتضی	شهبازی‌نیا	۹۵
۲	جعفر	کوشا	۳۹
کاندیداهای نایب‌رئیس			
۱	علی	پزشکی	۶۵
۲	سید مهدی	حجتی	۶۵
۳	محمد جواد	سالمی‌پارویی	۶۵
۴	علی	نهرابی‌پور	۶۵
۵	ابراهیم	کیانی	۶۵
۶	روح‌الله	وکلی	۶۵
بازرسان			
۱	مسعود	جعفرزاده	۶۵
۲	حسین	حجتی	۶۵
۳	امیرحسین	سجادی	۶۵
۴	احمد	طاهری‌رضایی	۶۵
۵	عباس	قوامی	۶۵
۶	مهدی	کریمی	۶۵



ترجمه یا تحریف؟

افسانه خاکپور

دکترای حقوق از دانشگاه نیس فرانسه
و عضو کانون وکلای شهر ورسای

خبر رسید که قانون اساسی فرانسه به فارسی ترجمه شده و در ایران به چاپ رسیده است. خبر به خودی خود مایه خرسندی بود، اما با مطالعه نسخه اینترنتی این ترجمه و مقایسه اصول ترجمه شده با اصول قانون اساسی فرانسه ۱۹۵۸ خرسندی بی جای من جای خود را به تعجب و تحیر داد.

مترجمین قانون اساسی فرانسه آقایان دکتر حشمت... فلاح پیشه، دکتر علیرضا شکرپیگی و معین مرادی کرتوبچی هستند و تیتیر کتاب: «قانون اساسی فرانسه با نگاهی به تاریخچه سیاسی و فرهنگی با آخرین اصلاحیه». ترجمه انجام شده به وسیله آنان اشکالات و نواقص بسیاری در ترجمه کلمات و رساندن معانی جملات دارد که موجب شبهه برای خواننده در فهم اداره سیستم دموکراتیک فرانسه می شود.

به عنوان نمونه مترجمین پاراگرافهایی از بخشی از اصول قانون اساسی را در ترجمه خود نیآورده و از آن فاکتور گرفته اند و بدین ترتیب قانون اساسی فرانسه بسیار ساده و مختصر یا شسته رفته را تحویل خوانندگان ایرانی داده اند. در این مقاله قصد پرداختن به همه نواقص و نکات آن را ندارم اما به مواردی از آن می پردازم که اساس و بنیاد نهاد دولت، حکومت، و تضمین حقوق ملت و چگونگی سازماندهی یک کشور دموکراتیک و مدرن مبتنی بر تمامی اصول حقوق بشر در فرانسه را تشکیل می دهند.

نسخه اینترنتی این ترجمه، قانون اساسی فرانسه تاریخچه چندصد ساله قانون اساسی این کشور و مقدمه بسیار مهم آن را در دو سه جمله خلاصه کرده است.

پر واضح است که قانون اساسی فرانسه را بدون پشتوانه اندیشه های تاریخی و مبارزات مردم فرانسه و مباحثات روشنفکران و نقش احزاب سیاسی و زنان برای کسب آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت اجتماعی و اتکای بی چون و چرای آن به موازین حقوق بشر نمی توان خواند و دریافت.

در مقدمه این ترجمه اشاره کوتاهی به اصول حقوق بشر شده، حال آنکه قانون اساسی فرانسه ملهم از تمامی اصول حقوق بشری است که منشأ آن به سال ۱۷۸۹ می رسد.

قانون اساسی فرانسه طی چند سده از این تاریخ بارها مورد تجدیدنظر قرار گرفته و خود را با نیاز جامعه و مردم، با تحولات سیاسی، اجتماعی و ضروریات حقوقی در همکاری جهانی و اروپایی وفق داده است.

اصولی تکمیلی در مورد حقوق شهروندان، زنان، محیط زیست، دادگاه های عالی نظارت بر قانون اساسی و محاکم نظارت بر رئیس جمهور، دولت و وزرا، وزارتخانه ها و سازمان های دولتی و به رسمیت شناختن و پیوستن به قوانین و محاکم بین المللی و اروپایی به آن افزوده شده است.

در ترجمه اصل یکم قانون اساسی، این مترجمین عبارت «لایسیتته» را به «غیر مذهبی» ترجمه کرده اند که ترجمه این کلمه معنای جامع و درستی از مفهوم لایسیتته نیست که بیشتر به بی آیینی دولت نزدیک است وعده ای آن را جدایی دین از دولت قلمداد کرده اند.

در اصل یکم جملات و کلماتی ترجمه نشده و پاراگراف مربوط به برابری زنان و مردان برای شرکت در انتخابات و دسترسی به پست نمایندگی و برابری در مسئولیت های شغلی و اجتماعی از قضا از قلم افتاده است.

علاوه بر آن در مقدمه قانون اساسی ۱۹۴۶ (اصل سوم) برابری زنان و مردان در تمامی عرصه ها قانوناً تضمین شده است.

اصل دوم که با این جمله شروع می شود: «زبان جمهوری زبان فرانسه است» نیز حذف شده است.

در اصل چهارم آزادی احزاب با اشکالاتی ترجمه شده و مهم ترین وجه آن یعنی تضمین قانونی برای تکرر عقاید و چندگانگی احزاب سیاسی و حق مشارکت برابر آنها در تشکیل گروه های سیاسی و زندگی دموکراتیک کشور فرانسه در این ترجمه حذف شده است.

در جایی که لایسیتته، دموکراسی و حقوق بشر عصاره قانون اساسی فرانسه اند و برابری زنان و مردان در حقوق اصلی است انکارناپذیر، این مترجمان ترجمه این اصول پایه ای حقوق کشور فرانسه را از قلم انداخته اند.

این ترجمه گاه به گاه جای حکومت و دولت را یکی کرده و مفاهیمی اشتباه از نقش دولت، وظایف و اختیارات پارلمان

و مجلس سنا داده که به درک نادرستی از نحوه کار مجلسین و کنترل آنها از دولت منجر می شود.

هرکجا تأکید بر تکرر احزاب، تکرر مطبوعات و آزادی عقیده و بیان بوده، از جمله اصل ۲۴، در این ترجمه حذف شده است.

اصل ۶۱-۱ مربوط به حقوق و آزادی ها و ضمانت قانونی برای حفظ آن اصلاً ترجمه نشده است.

از عجایب این ترجمه آنکه اصل مهم ۶۶-۱ یعنی منع حکم اعدام ترجمه نشده و ممنوعیت حکم اعدام در فرانسه به کلی در این ترجمه حذف شده است.

اصل ۳۴ و بندهای آن درباره پیشنهاد و وضع قوانین و اختیارات پارلمان در قانونگذاری به درستی ترجمه نشده و اصل چند رسانه ای، آزادی مطبوعات و استقلال آنها سانسور شده است.

اصل تفصیلی ۷۱-۱ در به رسمیت شناختن مدافعین حقوق در حمایت از آزادی ها در مقابل دولت و نهادهای آن و نحوه فعالیت آن برای دفاع از حقوق شهروندان در این ترجمه وجود ندارد.

اصل ۷۲ و تبصره آن درباره فعالیت شوراهای محلی و منطقه ای و هماهنگی آن در ماوراء بحار که جزیی از این کشور محسوب می شوند ترجمه نشده است.

خلاصه کلام، خواسته یا ناخواسته اصولی که نیمه و ناقص ترجمه شده با نارسایی زبانی و ناهماهنگی مفهومی در تشریح تشکیلات کشوری، دولتی، حزبی، سیاسی، تشکیل انجمن های محلی، اختیارات و وظایف پارلمان و مجلس و دادگاه های عالی نظارت و کنترل قدرت موجب دشواری در درک سیستم فرانسه برای خواننده شده و تعبیری اشتباه از این سیستم دموکراتیک به دست خواننده می دهد.

حال باید پرسید هدف از اینگونه ترجمه لابی از قانون اساسی فرانسه چه بوده است و چرا آن موادی که قانون اساسی فرانسه را از قانون اساسی یک کشور غیر دموکراتیک مجزا می کند، عمداً یا سهواً، در این ترجمه از قلم افتاده اند؟





رهیافت؟!

واکاوی ادعای فرار مالیاتی ۳ هزار وکیل دادگستری در رسانه «ملی»

ندارند»، به منظور اثبات فرار مالیاتی وکلا بیان شده است و قرار است به افکار عمومی القا کند که این تعداد از وکلا، مشغول وکالت هستند و علی‌رغم اخذ حق الوکاله‌های کلان هیچ مالیاتی نمی‌پردازند، ولی در واقع همین گزاره نفی مقصود مدعیان است.

می‌دانیم که با استقرار نظام جامع مالیاتی از حدود سه سال پیش، کلیه فرایند تشکیل پرونده‌های مالیاتی به صورت الکترونیک درآمده و هر کس ولو اینکه پیش از این نیز پرونده مالیاتی در سیستم سنتی داشته است باید با طی مراحل مختلف ثبت‌نام الکترونیکی پرونده جدید مالیاتی تشکیل بدهد، از سوی دیگر با توجه به بانک اطلاعات رایانه‌ای شناسایی افرادی که فاقد پرونده مالیاتی هستند بسیار آسان و دقیق است. مدیر کل بازرسی و مبارزه با فرار مالیاتی سازمان امور مالیاتی هم به این موضوع اشاره کرده و ابهام را فقط در میزان ریالی فرار مالیاتی دانسته است.

اصولاً وکلای دادگستری برای هر نوع اقدام باید بدو مبلغی را به عنوان مالیات علی‌الحساب به صورت تمبر بر روی وکالتنامه‌های خود ابطال کنند. ابطال تمبر مالیاتی از طریق سامانه‌ای انجام می‌شود که در اختیار دادگستری و سازمان امور مالیاتی است. در صورت وجود هر اشکالی در وضعیت وکیل، کد مالیاتی وی در سیستم مسدود می‌شود و امکان هیچ نوع ابطال تمبر برای وی وجود نخواهد داشت. بنابراین تنها موردی که ممکن است یک وکیل فاقد پرونده مالیاتی باشد، جایی است که این وکیل اشتغال عملی به حرفه وکالت نداشته باشد.

در نتیجه به‌نظر می‌رسد این ۳ هزار وکیل افرادی هستند که علی‌رغم داشتن پروانه وکالت، اشتغال عملی به حرفه وکالت ندارند و انگیزه و دلیلی برای مراجعه به اداره دارایی و طی فرایند مفصل تشکیل پرونده مالیاتی در سیستم الکترونیکی جدید را نداشته‌اند. چه‌بسا تعداد این دسته از وکلا که به سبب هزینه‌های بالای تمدید پروانه وکالت، اجاره دفتر و مالیات و غیره پس از اخذ پروانه وکالت از اشتغال به وکالت صرف‌نظر می‌کنند خیلی بیشتر از عددی است که اعلام شده است.

به‌هر حال امروز وکلای دادگستری آماج حملات غیر متصفانه‌ای هستند که بعضاً از سوی افرادی ماجراجو و فاقد صلاحیت لازم مطرح می‌شوند. پالایش و پاکسازی جامعه از مفاسد اقتصادی نیازی ضروری است که باید برای انجام آن به دور از هیجان و بخشی‌نگری، سیاست‌گذاری‌های مؤثر و کارشناسانه صورت گیرد. ■

تأسیس انواع مؤسسات حقوقی مجاز و غیر مجاز بر اساس اصل تبعیت قیمت از عرضه و تقاضا دیگر درآمدهای بالا برای وکلای دادگستری مصداق بیرونی ندارد. ثانیاً، این احتمال که هنوز هم عده معدودی از وکلای دادگستری حق الوکاله‌های کلان دریافت کنند، وجود دارد ولی ابداً نمی‌توان این موضوع را تعمیم داد. در نقطه مقابل، بسیاری از وکلای دادگستری جوان پس از سال‌ها تحصیل و آمادگی برای آزمون و کارآموزی حتی قادر به تأمین هزینه‌های اولیه زندگی خود نیستند و برای تأمین اجاره یک دفتر کار مشترک، مجبور می‌شوند پرونده‌ها را با حق الوکاله‌های ناچیز بپذیرند یا با شرایط بسیار غیر منصفانه به خدمت بانک‌ها و ادارات و شرکت‌ها و مؤسسات حقوقی درآیند. ضمن اینکه همواره بخشی از پرونده‌های یک وکیل دادگستری مربوط به اطرافیان و کسانی است که به هر جهت هزینه‌ای به‌عنوان حق الوکاله نمی‌پردازند. در یکی از آخرین موارد در برنامه رادیویی با عنوان «رهیافت» که از رادیو اقتصاد پخش شد، «هادی خانی» مدیر کل بازرسی و مبارزه با فرار مالیاتی سازمان امور مالیاتی ضمن تکرار ادعای پیشین دکتر امیدعلی پارسا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور در مورد وجود ۳ هزار وکیل فاقد پرونده مالیاتی در کشور، بر ادعای فرار مالیاتی گسترده وکلای دادگستری تأکید کرد.

در ابتدای این برنامه فردی به نام «سیداحسان حسینی» به عنوان «کارشناس اقتصادی» با طرح اعداد مختلفی به‌عنوان میزان فرار مالیاتی وکلا، نهایتاً از طریق همان فرمول‌های من‌دراوردی که در آن به تعداد واقعی پرونده‌های ورودی به دادگستری، سقف تعرفه حق الوکاله، معافیت مالیاتی، استهلاکات قانونی که باید از میزان دریافتی‌های ناخالص کسر شوند و ... توجهی نشده است، به عدد ۱۲ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی وکلای دادگستری رسید.

با بررسی سوابق این «کارشناس اقتصادی» که حتی برای اظهار نظر در سطح رسانه‌ای فراگیر مانند رادیو، به مقررات مربوط به محاسبه حق الوکاله و مقررات مالیاتی نگاهی نمی‌اندازد، می‌توان دید که وی در موضوعات مختلف و مخصوصاً همین موضوع فرار مالیاتی وکلا در نشست‌های متعددی در خبرگزاری‌هایی با سمت‌وسوی خاص از جمله تسنیم، فارس، آنا، دانشجو و ... حاضر بوده است. مهمترین عنوان سیداحسان حسینی «مسئول مرکز مطالعات انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه تهران» ذکر شده است و سایر سوابق احتمالی علمی و تخصصی وی مشخص نیست.

هرچند این گزاره که «۳ هزار وکیل پرونده مالیاتی

«فرار مالیاتی» به یکی از کلیدواژه‌های هجمه به کانون‌های وکلای دادگستری تبدیل شده است. در این زمینه مدعیان برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی و مخصوصاً با توجه به تشدید مشکلات اقتصادی کشور که موجب بروز حساسیت‌های بجا نسبت به مفاسد و سوءاستفاده‌های مالی در میان مردم شده است، ارقام هنگفتی را به‌عنوان رقم فرار مالیاتی وکلا حتی در صدا و سیما مطرح می‌کنند. پای ثابت انتشار این دست مطالب و اخبار بی‌اساس، چند خبرگزاری وابسته به یک جریان خاص و البته صدا و سیما «ملی» هستند. همسویی این رسانه‌ها با جریاناتی که با انگیزه‌های مشکوک در صدد دور زدن قوانین و مقررات ورود به حرفه وکالت هستند، می‌تواند نشانه‌هایی از ریشه این اقدامات غیر حرفه‌ای و مخالف اخلاق رسانه‌ای در مورد وکلای دادگستری به دست بدهد.

مدعیان با مبنا قراردادن چند فرض غلط، سعی در شکل دادن استقرایی ناقص دارند که همان نیز به اتکای فرضیات باطلشان اعتباری پیدا نمی‌کند، از جمله اینکه با محاسبه‌ای بی‌اساس بر مبنای اینکه در دادگستری سالانه ۱۵ میلیون پرونده تشکیل می‌شود و حداقل در ۱۰ درصد این پرونده‌ها وکیل دخالت دارد، نتیجه می‌گیرند که سالانه برای یک و نیم میلیون پرونده، حق الوکاله به وکلای دادگستری کشور پرداخت می‌شود. این درحالی است که حتی به اذعان خود کسانی که این ارقام را ارائه کرده‌اند، این آمار فقط نشان‌دهنده تعداد پرونده‌های ثبت شده در دادگستری است و همه افراد مرتبط با دادگستری می‌دانند که در سیستم رایانه‌ای فعلی برای یک موضوع ممکن است چندین کلاس و حتی شماره پرونده ۱۶ رقمی در مراحل مختلف مانند شورای حل اختلاف، دادسرا، دادگاه بدوی، دادگاه تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، اجرای احکام و رسیدگی به دعاوی طاری و مرتبط مانند اعسار و تأمین خواسته و دستور موقت و ... ایجاد شود.

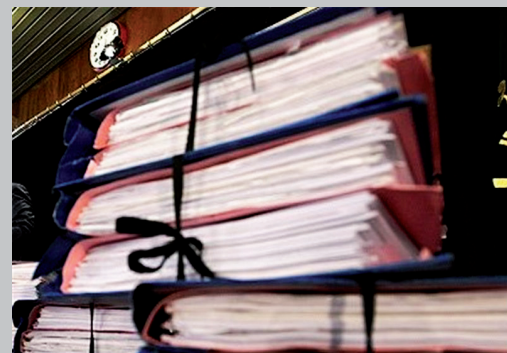
این افراد همچنین با طرح ارقام کلان و چشم‌گیر در محاسبات خود برای رسیدن به اعداد مورد نظرشان، حداقل حق الوکاله دریافتی برای هر پرونده را ۲۰ میلیون تومان فرض می‌کنند. در یکی از برنامه‌های تلویزیونی که اخیراً همین ادعاها طرح می‌شد مجری تأکید داشت که هیچ وکیل دادگستری با ۲۰ میلیون تومان حق الوکاله جواب سلام هم نمی‌دهد!

در مورد میزان حق الوکاله باید چند موضوع را در نظر داشت: اولاً، شاید یک تصور عمومی در مورد میزان بالای حق الوکاله‌ها از گذشته‌ها وجود داشته باشد، ولی دست کم از سال‌های پایانی دهه ۱۳۸۰ به بعد و خصوصاً در سال‌های اخیر، با ورود تعداد بالایی افراد به حرفه وکالت و

خبر داد

پرونده‌های قضایی؛ سه برابر استاندارد جهانی

اگر چه پیشتر وزیر دادگستری از بالارفتن ۰/۰۷ درصدی حجم ورودی پرونده‌های قضایی در سال ۹۸ خبر داده بود، لیکن آنچه در سخنان معاون فرهنگی قوه قضائیه جای تأمل دارد آماری است که وی از حجم بالای این پرونده‌ها نسبت به استاندارد جهانی بیان نموده است. آن گونه که معاون فرهنگی قوه قضائیه در ۹ آبان در شورای اداری شهرستان ملکان اعلام کرد، میزان ورودی پرونده‌های قضایی در کشور تا سه برابر استانداردهای جهانی است. اگر چه مشخص نیست منظور از استانداردهای جهانی که مورد استناد حجت الاسلام هادی صادقی قرار گرفته چیست و منبع ایجاد این استانداردها کدام سازمان، نهاد یا دولت‌ها می‌باشند، اما با شهود عرفی وضعیت جامعه و با مراجعه به شعب دادگستری می‌توان به انباشت شدید و بحرانی پرونده‌های قضایی گواهی داد. امری که نه تنها به گفته این مقام مسئول موجب اطاله دادرسی شده، بلکه می‌تواند موجب کاهش دقت در بررسی پرونده‌های قضایی نیز گردد.



درگذشت اعظم طالقانی و یک سوال مهم حقوقی

اعظم طالقانی، فرزند آیت‌الله سید محمود طالقانی، شامگاه چهارشنبه ۸ آبان دار فانی را وداع گفت. او اگر چه حقوقدان نبود اما پس از انقلاب اسلامی و تا انتهای حیات مادی اش این سوال حقوقی را در اذهان جامعه، حقوقدانان و حاکمیت زنده نگه‌داشت که «آیا منظور مجلس خبرگان قانون اساسی از واژه «رجل سیاسی» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی فقط منصرف به مردان است ؟»



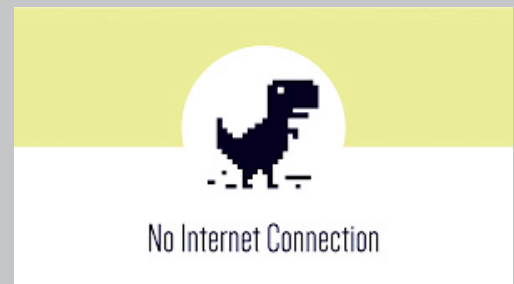
پاسخ صریح این بانوی مبارز به چنین سوالی را می‌توان از ثبت نام مکرر وی جهت کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری سراغ گرفت. آنجا که از خرداد ۱۳۷۶ تا زمان وفاتش به ثبت نام و نامزدی در این انتخابات همت گماشت؛ نامزدی که هر دوره تکرار شد و همواره با سد شورای نگهبان روبرو گردید.

او در مصاحبه‌ای که در سال ۹۶ و پس از رد صلاحیت و اتمام انتخابات ریاست جمهوری با یک خبرگزاری داخلی داشت، چنین گفت: «همین که شورای نگهبان درباره این موضوع واکنش نشان داده، اتفاق خوبی است. اصلاً ناامید نیستیم، ممکن است من دیگر نباشم ولی دیگران بتوانند به این خواسته برسند. تا

زمانی که زنده باشیم، این اعتراض را نسبت به این خواسته زنان خواهیم داشت»

قطعی اینترنت و مشکلات ایجاد شده برای وکلا

قطع سراسری اینترنت که با مصوبه شورای عالی امنیت ملی از تاریخ ۲۴ آبان ماه شروع شد، در برخی از استان‌ها تا حدود بیست روز ادامه یافت. قطعی که نه تنها موجب متضرر شدن برخی مشاغل حقوقی اینترنت محور در کشور شد، بلکه باعث شد تا وکلا برای مراجعه به سایت صندوق حمایت دادگستری و پرتال قوه قضائیه دچار مشکلات عدیده شوند. مشکلاتی که با سرگردانی وکلای دادگستری در روزهای ابتدایی اختلالات همراه شد. اگر چه انتظار اولیه آن بود که مقامات حکومتی برای عدم وقوع چنین مشکلاتی تدبیری اندیشیده باشند، لیکن روزهای پیاپی این مشکلات ادامه داشت و وکلا مجبور شدند برخی از امور وکالتی خود را به صورت حضوری و دستی و همراه با نامه نگاری انجام بدهند. به نظر می‌آید نیاز است تا تصمیم‌گیران عرصه وکالت در این زمینه ورود نموده و در جهت پیشگیری از وقوع دوباره این گونه مشکلات تذکرات لازم را به مقامات بدهند.



افزایش قیمت بنزین و نمایندگان مجلس

پس از افزایش نرخ بنزین در ۲۴ آبان، این تصمیم شورای عالی سران سه قوه با واکنش منفی نمایندگان مجلس روبرو شد. واکنشی که علاوه بر زمزمه استیضاح وزرای دولت، بلافاصله با ارسال طرح‌هایی به هیأت رئیسه مجلس روبرو شد. طرح‌هایی که از برگشت قیمت بنزین به حالت سابق گرفته تا اهدای بنزین هدیه به مردم در آن‌ها به چشم می‌خورد. در برخی از این طرح‌ها سخن از تک نرخ شدن قیمت بنزین رفته و در برخی دیگر جریمه ۵ برابری برای گران‌کنندگان کالا و خدمات پیشنهاد شده است. اگر چه در روزهای آغازین اجرای این تصمیم هر روز بر تعداد طرح‌های ابداعی افزوده می‌شد، لیکن علی شمخانی سه روز پس از گران شدن بنزین، در جلسه‌ای غیرعلنی با قرائت نامه‌ای از مقام معظم رهبری خبر از حمایت ایشان از تصمیم سران سه قوه داد. نامه‌ای که موجب اتمام اعتراضات نمایندگان مجلس شد و آرامش نسبی را به خانه ملت بازگرداند.

عفو استثنا

سخنگوی قوه قضائیه ۲۵ آبان ماه در همایش فرصت‌های تحول در سازمان قضایی نیروهای مسلح از عفو متفاوت به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) سخن گفت. تفاوتی که هم در تعداد و هم در نوع محکومان مشمول عفو وجود داشت. اسماعیلی در این زمینه افزود: معمولاً در عفوهای موردی مشمولین عفو بین هفتصد تا هزار نفر بود. اما در این مرحله عددی معادل ۳۵۵۲ نفر از محکومان دادگاه‌های عمومی، انقلاب، نظامی و تعزیرات حکومتی مورد عفو مقام معظم رهبری قرار گرفتند که در عفوهای موردی این تعداد، یک عفو بی سابقه است.



محکومین امنیتی، برخی از دانشجویان و اصحاب هنر و رسانه (همچون پگاه آهنگرانی، صبا آذربیک، پوریا عالمی، کیومرث مرزبان، حسین جنتی و حسین قدیانی) از جمله کسانی بودند که در لیست پیشنهادی قوه قضائیه حضور داشته و تمام یا بخشی از باقی‌مانده حبس ایشان مورد عفو قرار گرفت.

سه هزار وکیل بدون پرونده مالیاتی

روزهای ابتدایی آبان بود که رئیس سازمان امور مالیاتی ادعا کرد ۳۰۰۰ هزار وکیل دادگستری پرونده مالیاتی ندارند. ادعایی که بلافاصله توسط وکلای دادگستری تکذیب و محکوم شد. برخی این ادعا را نه تنها ناصحیح، بلکه آن را غیر ممکن دانستند. عیسی امینی در همین زمینه گفت: «فرار مالیاتی مربوط به کسانی است که با تشکیل ندادن پرونده مالیاتی به عنوان مؤدی معرفی نمی‌شوند. در حالی که این مورد اساساً در خصوص کانون‌های وکلا صدق پیدا نمی‌کند. زیرا پروانه وکالت و کارآموزی تا زمان تشکیل پرونده مالیاتی صادر نمی‌شود و بدون الصاق تمبر مالیاتی، امکان وکالت در دعاوی وجود ندارد که علی‌القاعده در مورد اعضای مرکز امور مشاوران نیز چنین است.» بهادری جهرمی نیز نسبت به گفته رئیس سازمان امور مالیاتی موضع گرفت و با بیان این نکته که «بدون تشکیل پرونده مالیاتی امکان صدور پروانه وکالت یا کارآموزی نیست»، از وی به انتقاد پرداخت.

طرح «تقلیل مجازات حبس» و حواشی آن

این طرح که دوازدهم آبان از سوی «محمدجواد فتحی» نماینده مجلس و استاد حقوق دانشگاه تهران ارائه شد، خبر از نصف شدن تمام حبس‌های تعزیری (به جز حبس‌های زیر شش ماه، جرم جاسوسی و جرایم مواد مخدر) برای بار اول می‌دهد. حبس‌های تنصیف شده‌ای که با مجازات‌هایی نظیر دوره مراقبت، انجام خدمات عمومی و پرداخت جزای نقدی جایگزین شده‌اند. این طرح در ابتدا با استقبال مجلس روبرو گردید و دوفوریت آن از سوی نمایندگان مجلس تصویب شد. پس از ارسال طرح به کمیسیون قضایی، رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۳ آبان نسبت به آن موضع‌گیری نمود و آن را طرحی غیر کارشناسی دانست که موجب تزلزل قانون مجازات اسلامی خواهد شد. ساعاتی بعد، نایب‌رئیس کمیسیون حقوقی مجلس از رد طرح در این کمیسیون خبر داد و گفت: به عقیده اعضای کمیسیون، اجرایی شدن این طرح می‌تواند نظام حقوقی و قضایی کشور را بر هم بزند. اقدامی که با مخالفت جدی نمایندگان مجلس روبرو شد و با تأیید کلیات طرح مذکور در صحن مجلس، مجدداً در دستور کار کمیسیون قرار گرفت. رئیس مجلس نیز پس از تأیید کلیات این طرح افزود: طرح به مدت سه هفته به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ارجاع داده می‌شود، اگر پس از سه هفته، به صحن ارائه نشود، متن موجود در بررسی می‌کنیم.



در آکادمی علوم جنایی بررسی شد:

درس‌های ماده ۶۳۷

ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ یکی از موادی است که بیشترین تهاوت را در آرای قضایی پدید آورده است

دکتر صادق‌نژاد بیان داشت: «اگرچه اعمال منافی عفت را می‌توان اعمال قریبه زنا و یا شروع به زنا دانست، اما متأسفانه در مورد روابط نامشروع نمی‌توان دامنه‌ای را در فقه یا قانون مشخص کرد و از این‌رو یک قاضی در یک مجتمع قضایی عمل واحد «قدم زدن زن و مرد نامحرم در پارک» را تبرئه و دیگری مجازات کرده است. حتی برخی شعب در مورد رابطه نامشروع تعزیر تا ۹۹ ضربه شلاق را داده‌اند و مرجع تجدیدنظر هم عیناً تأیید کرده است.» در ادامه جلسه این استاد دانشگاه با توجه به اختلاف نظر موجود درباره شمول ماده ۶۳۷ به ذکر چند نمونه از آرای محاکم قضایی اشاره کرد، از جمله رأی که چون ارتباط جسمی را شرط در وقوع عنصر مادی می‌دانسته، صرف حضور زن و مرد نامحرم در یک خانه را فاقد وصف کیفری قلمداد کرده است. در مقابل، در دادنامه دیگری، قاضی ارتباط اینترنتی (چت) زن و مردی - یکی در ترکیه و دیگری در ایران - را واجد وصف مجرمانه دانسته و هر یک از متهمان را به استناد ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی به ۵۰ ضربه شلاق محکوم کرده بود.

دکتر صادق‌نژاد در بخش دیگر سخنانش به بررسی رأی وحدت‌رویه شماره ۷۷۰ پرداخت و گفت: در این رأی به صورت مطلق مشکل مجازات موجود در ماده ۶۳۷ حل نشده و باز هم معلوم نگردیده که آیا مجازات مذکور در این ماده تعزیر منصوص شرعی بوده یا خیر. در واقع آنچه در این رأی وحدت‌رویه واضح شده شمول ماده ۲۷ قانون مجازات سال ۹۲ بر ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات بوده است. لذا هر روز بازداشت محکوم را معادل سه ضربه شلاق موجود در ماده ۶۳۷ دانسته است. از این‌رو نه تنها درباره مسائلی از جمله تخفیف و تبدیل سکوت کرده، بلکه در حال حاضر نظر قاطبه قضات دیوانعالی کشور این است که مجازات ماده ۶۳۷ قابل تخفیف و تبدیل به مجازاتی دیگر نیست. حتی قضات کسر ایام بازداشت را نیز صرفاً به خاطر همین رأی وحدت‌رویه می‌پذیرند. لذا راجع به دایره شمول ماده ۴۷ بر ماده ۶۳۷ نیز اختلاف نظر وجود داشته و مشخص نیست که آیا قاضی می‌تواند هیچ‌یک از مصادیق ماده ۶۳۷ را مشمول تعویق و تعلیق کند یا خیر؟ این استاد دانشگاه در مقام نتیجه‌گیری نظر خود را در سه جمله خلاصه نمود و اینگونه گفت: «اولاً جرم موضوع ماده ۶۳۷ دو تا است و نه یک جرم؛ رابطه نامشروع و عمل منافی عفت دون زنا. ثانیاً تعیین مجازات واحد برای هر دو گونه جرم مذکور غیرمنطقی است؛ ثالثاً فقط در مصداق مضاجعه ما تعزیر منصوص شرعی داریم و لاغیر. از این‌رو منعی برای تبدیل، تعویق، تخفیف و... در غیر مضاجعه وجود ندارد.» وی در خاتمه سخنرانی خود سه نتیجه بیان شده را نه تنها سازگارتر با سیاق روایات صادره دانست، بلکه با دو اصل جزایی «تفسیر مضیق متون کیفری» و «اکتفا به قدر متیقن» نیز همخوان‌تر دانست. ■

مورد چپستی جرایم منافی عفت مادون زنا را برگرفته از دیدگاه نویسنده این کتاب دانست. وی در توضیح بیشتر افزود: «در این زمینه تنها مرحوم فاضل لنکرانی به تعریف دقیق‌تر عبارت یادشده پرداخته است. از دیدگاه وی ۹۹ ضربه شلاق موجود در احادیث (یک شلاق کمتر از حد زنا) و سیاق روایات در مورد قرار گرفتن «دو نامحرم برهنه زیر یک پوشش» بر این امر دلالت دارد که این اعمال مقدمات قریبه زنا بوده، به‌طوری‌که دو طرف فقط یک گام تا ارتکاب دخول فاصله داشته‌اند.»

۶۶

رأی وحدت رویه شماره ۷۷۰:

مستنبط از مقررات ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲ تعزیر، مجازاتی است که در موارد

ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی

تعیین و اعمال می‌شود و کیفیت اجرا و مقررات

مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام

مربوط به آن به موجب قانون تعیین می‌شود و

در ماده ۱۱۵ این قانون به دادگاه اجازه داده شده،

مقررات راجع به تخفیف مجازات را در کلیه جرائم

تعزیری اعمال کند و در تبصره دوم آن «تعزیر

منصوص شرعی» که نوع و مقدار آن همانند مجازات

های حدی، غیر قابل تغییر می‌باشد از اطلاق ماده

اخیرالذکر استثنا شده است بنابراین نظر شعبه

نهم دیوان عالی کشور که مقررات ماده ۲۷ قانون

مجازات اسلامی را نسبت به محکومیت موضوع

ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات اعمال

کرده است به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین

قانونی تشخیص گردید. این رأی در اجرای ماده

۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه

برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر

مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

آکادمی علوم جنایی دانشگاه فردوسی مشهد در ساعت ۱۶ آخرین سه‌شنبه ماه، نشست تخصصی را میزبانی کرد که در آن دکتر «مجید صادق‌نژاد نائینی»، استاد دانشگاه حکیم سبزواری، به تحلیل ماده ۶۳۷ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در پرتو رویه عملی محاکم کیفری پرداخت.

بر اساس این ماده: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.»

دکتر صادق‌نژاد در مقدمه سخنان خود از نتایج پژوهش‌هایش در آرای قضایی درباره ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ چنین گفت: «قضات در مورد لزوم یا عدم لزوم تماس فیزیکی بین زن و مرد نامحرم برای تحقق جرم موضوع ماده اتفاق نظر ندارند و رویه قضایی نیز موضع واحدی در مورد تعداد جرایم مندرج در ماده ۶۳۷ اتخاذ نکرده است.

این محقق دانشگاهی نقص در رویه را ناشی از ابهام در متن ماده مذکور دانست و این ماده را یکی از مواد قانونی معرفی کرد که متهاوت‌ترین آرای قضایی را به خود اختصاص داده است. او درباره ابهامات موجود در ماده گفت: «وجود دو عبارت «روابط نامشروع» و «عمل منافی عفت» این اختلاف را پدید آورده که آیا منظور از این دو عنوان، دو گونه جرم بوده یا یک جرم؟ آیا با توجه به چند مصداق موجود در ماده، فقط تماس جسمی و فیزیکی دو زن و مرد نامحرم جرم‌انگاری شده یا هرگونه تماس نامشروع (چه جسمی و چه غیر آن) نیز از مصادیق این ماده است؟»

وی یکی دیگر از ابهامات را مجازات تعیین‌شده در ماده دانست و افزود: «اصل اختلافات بین محاکم دادگستری از این سؤال برمی‌خیزد که آیا مجازات مذکور در این ماده از سری مجازات‌های منصوص شرعی بوده یا اینکه ماده صرفاً در مقام بیان یک مجازات تعزیری است؟»

صادق‌نژاد راه کاهش ابهام ماده یادشده را در بررسی پشتوانه‌های فقهی آن دانست و اضافه کرد: «اگرچه در قانون یا فقه تعریفی درباره واژه رابطه نامشروع وجود ندارد، اما خوشبختانه در فقه از عمل منافی عفت مادون زنا با عبارت «استمتاع مادون فرج» یا «استمتاع مجرمه» یاد شده است. البته همین عنوان نیز در فقه تعریف منطقی نشده بلکه برای تعریف آن به ذکر مصداق و مثال (از قبیل تقبیل و مضاجعه) بسنده شده است. ولی ما می‌توانیم با توجه به سیاق روایات، حدود این عمل را مشخص نموده و از ابهام ماده بکاهیم.

در ادامه وی ضمن بررسی نظرات فقها، دانشجویان و اساتید را به مطالعه بخش کیفری کتاب «تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة» دعوت کرد و نظر منتخب خود در



در نشست تخصصی قانون وکلای اصفهان مطرح شد:

عدم استناد به معاهدات بین‌المللی می‌تواند تخلف قضایی محسوب شود

آموزش ندیدن قضات و مشخص نبودن جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ایران موجب استناد نکردن به کنوانسیون‌های بین‌المللی شده است

جمله کلیشه‌ای وجود دارد که «کودک در کلاتری تحویل داده شود». آیا کودک کالا است؟ آیا محل تحویل کودک کلاتری است؟ این نشان از حکومت همان نگرش پرونده‌ای بر اذهان است. در این راستا و با داشتن نگرش انسانی باید به اسناد بین‌المللی که عمدتاً به دنبال عدالتند، تمسک جوییم. در ادامه قاضی شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر مازندران در پاسخ به منتقدینی که معتقد هستند اسناد بین‌المللی جنبه تشریفاتی دارند، گفت: «این اسناد به راحتی تصویب نمی‌شوند و پروسه و مراحل متعددی برای تصویب آنها وجود دارد. کنوانسیون‌ها که برای تصویب چنین پروسه طولانی را طی می‌کند، چگونه می‌تواند تشریفاتی باشد؟ اصلاً استناد کردن به اسناد بین‌المللی دلیل و توجیه نمی‌خواهد، بلکه عدم استناد به این سندهاست که باید مدلل و موجه باشد.» وی در این زمینه به ماده ۹ قانون مدنی اشاره کرد و گفت: «بر اساس این ماده اسناد و تعهدات بین‌المللی جزء قواعد داخلی ماست و لذا استناد نکردن به آنها تخلف است. وقتی کنوانسیون‌ها را که ایران مورد پذیرش قرار داده و آن را در حکم قانون می‌داند مورد استناد و استفاده قاضی قرار نگیرد، باید بازخواست شود. البته ممکن است این اسناد مستقیماً به موضوع پرونده مرتبط نباشند (مثل تمکین)، اما در این موارد نیز می‌توان اسناد بین‌المللی را در خصوص شناسایی بعضی حقوق مورد استناد قرار داد (مثلاً حق زن بر امنیت).» این قاضی دادگستری در پایان به ذکر دلایل عدم استناد به اسناد بین‌المللی در دادگاه‌های ایران پرداخت و افزود: «می‌توان برخی از موانع و دلایل عدم استناد به معاهدات بین‌المللی را عدم آموزش قضات، مشخص نبودن جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ما و قطع رابطه دانشجویان با قضات و وکلا نام برد.»

عدالتخواه می‌تواند ما را به مقصود برساند.» این مدرس حقوق به نقش ویژه وکلا در این زمینه اشاره کرد و گفت: «وکلا از رهگذر رویه قضایی می‌توانند به قضات کمک کنند تا ایشان در رأی خود به اسناد بین‌المللی توجه کنند. اگرچه استنادات باید در چارچوب منابع حقوقی صورت گیرد، لیکن فقط استناد به قوانین در بعد شکلی آن نمی‌تواند کارساز باشد. در واقع باید در خلال فرآیند استدلال و استناد به قوانین، از اصول کلی حقوقی نیز استفاده کرد؛ اصولی که برگرفته از حقوق فطری بشر بوده و می‌تواند رهگذر خوبی برای رسیدن به اسناد بین‌المللی باشد.» دکتر جلالی دو مانع موجود در این مسیر را عدم پیوستن کشور ایران به بسیاری از اسناد و تعهدات بین‌المللی و بدبینی به نظام حقوق بشر دانست. وی اضافه کرد: «این نگاه که نظام حقوق بشری ابزاری برای سلطه است، موجب عدم استناد به این اسناد بالا دستی شده است. اگر ما با چنین استدلال‌هایی از این ابزارها غفلت کنیم، به جامعه ظلم کرده ایم.» دکتر جلالی: وکلا از رهگذر رویه قضایی می‌توانند به قضات کمک کنند تا ایشان در رأی خود به اسناد بین‌المللی توجه کنند؛ زیرا آنچه می‌تواند به اصلاح و تحول سریع نظام حقوقی کمک جدی کند، رویه قضایی است. در پایان این نشست حشمت رستمی به نگرش حاکم نسبت به دعاوی موجود در دادگستری اشاره کرد و گفت: «در نظام حقوقی ما نوع نگرش «پرونده‌ای» است. دغدغه کسی انسان نیست و انسانیت حلقه مفقوده در این پرونده‌هاست. کسی فکر نمی‌کند انسان کجای پرونده قرار دارد. تا زمانی که نگرش جامعه حقوقی به پرونده‌ها نگرش «انسانی» نباشد مطمئناً حقوق بشر جایگاهی ندارد. مثلاً در بحث خانواده یک

در آستانه آبان ۱۳۹۸ قانون وکلای دادگستری اصفهان میزبان نشستی علمی با عنوان «استناد به تعهدات بین‌المللی با تکیه بر رعایت موازین انسانی در آرای محاکم داخلی ایران» بود. در این نشست که در دوم آبان ماه برگزار شد، دکتر محمد جلالی، استاد دانشگاه شهید بهشتی و حشمت رستمی درونکلا، قاضی خوشنام دادگستری، به ایراد سخنرانی پرداخته و درباره ضرورت و موانع استفاده از اسناد بین‌المللی برای غنا بخشی به حقوق داخلی سخن گفتند. در ابتدای این نشست دکتر لیلار رئیس، رئیس قانون اصفهان ضمن خوشامدگویی به مهمانان، از نظام حقوق داخلی به عنوان بستر اصلی اجرای مفاد اسناد حقوق بشری یاد کرد و مبنای استناد به اسناد بین‌المللی را در رعایت چهار اصل حاکمیت قانون (ماده ۹ قانون مدنی)، وفای به عهد (اجرای تعهدات بین‌المللی)، کرامت انسانی و ضرورت توسعه نظام حقوقی کشور دانست. در ادامه دکتر محمد جلالی در خصوص لزوم استفاده قضات و وکلا از اسناد بین‌المللی گفت: «در شرایط کنونی با توجه به سنتی ماندن نظام آموزشی حقوق، ضرورت دارد که فراتر از شیوه سنتی عمل کرد و دست به ابتکار و ابداع زد. هر چند نظام حقوقی ما راه درازی در این مسیر پیش رو دارد، ولی در شرایط فعلی اگر نظام حقوقی بخواهد از طریق تحول و اصلاح قانون چنین ابتکاری به خرج دهد، سخت و پیچیده و گاه ناکارآمد خواهد بود. آنچه می‌تواند به اصلاح و تحول نظام حقوقی کمک جدی کند، رویه قضایی است؛ زیرا رویه قضایی به خاطر خاصیت پراکندگی، عدم تمرکز، سهل‌الصدور بودن و معطوف بودن آن به عینیت و عمل، ابزار مناسبی برای ظهور ابتکار عمل قضات است. همچنین مجهز بودن نظام قضایی به قضات فهیم، مستقل و بی‌طرف در کنار وکلای شایسته، عالم و

وکیلی که «پدر ملت» شد



سیده نسرین حسین پور

سالروز تولد گاندی فرصتی برای نفی خشونت و افزایش مدارای فرهنگی

۱۹۴۹ اعدام شد. بی شک سهم گاندی در شناسایی عدم خشونت به عنوان روشی برای کنش اجتماعی و سیاسی غیرقابل چشم پوشی است؛ به طوری که بعدها رهبران جنبش های مدنی در مبارزه با تبعیض نژادی و آپارتاید از عملکرد وی الگو گرفتند. از دید گاندی عدم خشونت، تنها در مقاومت علیه استعمار انگلیس تجلی پیدا نمی کند، بلکه باید در اداره امور کشور نیز نمایان شود. از این نظر عدم خشونت گاندی صرفاً روشی برای مقاومت مدنی و اعتراض علیه استعمار نیست بلکه روشی برای اداره دموکراتیک جامعه نیز هست. چنانکه خود می گوید: «به دنبال آن نیستم که هند را تنها از یوغ انگلیسی ها آزاد کنم. تصمیم دارم این سرزمین را از قید تمامی اشکال بندگی که بر دوش آن سنگینی می کند رها سازم.»

اعتلای اندیشه و بزرگی درونی گاندی سبب شد تا گویا «رابیندرانات تاگور» (نویسنده هندی و برنده جایزه نوبل ادبیات) از وی با لقب «ماهانما» به معنای روح بزرگ یاد کند. معروف است که آخرین نوشته به جا مانده از گاندی یادداشتی درباره «هفت گناه اجتماعی» است که روز پیش از به قتل رسیدنش به نوه خود می دهد؛ گناهانی که بدون ترک آن ها خشونت دائماً بازتولید خواهد شد: ثروت اندوزی بدون کار؛ لذت جویی بدون وجدان؛ دانش بدون شخصیت؛ تجارت بدون اخلاق؛ علم بدون انسانیت؛ پرستش فاقد از خودگذشتگی؛ سیاست بدون قاعده. ■

گاندی عریضه نویسی را برای امرار معاش انتخاب کرده و از این طریق زندگی گذراند. ولی گویا همین عرصه نیز پس از آنکه عملکرد وی موجبات رنجش یک افسر بریتانیایی را پدید آورد، بر او بسته شد.

در هر حال گاندی برای بیرون آمدن از این وضعیت اقتصادی پیشنهاد نه چندان جذاب یک شرکت هندی در «ناتال» آفریقای جنوبی را برای کار پذیرفت. اگرچه مدت این قرارداد یک سال بود اما موجب شد او بیش از بیست سال در آفریقای جنوبی بماند و نخستین مبارزات مدنی ضد تبعیض خود را از آن جا آغاز کند. گاندی پس از بازگشت به هندوستان، دیگر به حرفه وکالت برگشت و در مقابل سه کارزار مهم را در سال های ۲۲-۱۹۲۰، ۳۴-۱۹۳۰ و ۴۲-۱۹۴۰ طراحی یا رهبری کرد.

پدر معنوی هندوستان تا پایان عمر به مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه خود ادامه داد و در سال ۱۹۴۸ به دست «ناتورام گودسه»، که در جوانی از طرفداران گاندی بود، ترور شد. گودسه در دفاعیات خود در دادگاه اعلام کرد که اگر چه پیش بینی می کرده که با این ترور مورد نفرت و خشم مردم قرار بگیرد اما قصد داشته با این کار سیاست هندوستان را در مسیر بهتری قرار دهد.

در نهایت قاتل گاندی در دادگاه به اعدام محکوم شد اما خانواده گاندی با آن مخالفت کردند؛ زیرا معتقد بودند که اجرای این حکم بی احترامی به عقاید گاندی است. از این رو آنها خواستار تبدیل حکم اعدام به حبس ابد شدند، اما تغییری در مفاد حکم دادگاه پدید نیامد و گودسه در سال

سال ۲۰۰۷ سازمان ملل متحد دوم اکتبر را به عنوان روز جهانی عدم خشونت نام گذاری کرد تا گرامی داشت این روز باعث ترویج فرهنگ نفی خشونت از طریق آموزش و ارتقای آگاهی عمومی شود. این روز مصادف با سالروز تولد «مهنداس کارامچاند گاندی» است.

«گاندی» رهبر نهضت استقلال هند از استعمار انگلیس و معمار نافرمانی مدنی بدون خشونت در این کشور بود که نه تنها در هندوستان اثرگذار بوده، بلکه زندگی و آموزه های او الهام بخش مصلحانی همچون «مارتین لوتر کینگ» و «نلسون ماندلا» شد. مهاتما در خانواده ای هندو مذهب در «گجرات» هندوستان به دنیا آمد و در ۱۳ سالگی طبق سنت خانوادگی، با «کاستوربا ماکانجی» ازدواج کرد؛ زنی که در طول مبارزات گاندی دائماً همراه وی بوده تا جایی که در فوریه ۱۹۴۴، در سن ۷۴ سالگی، در آغوش گاندی و در حصر در گذشت.

گاندی دانش آموخته مقطع لیسانس حقوق در دانشگاه لندن بود که پس از اتمام تحصیل به کشورش بازگشت. اگر چه تحصیل در انگلستان انگیزه بالایی برای او جهت نیل به موفقیت ایجاد کرده بود، لیکن شرایط وکالت در هندوستان موجب سرخوردگی وی شد. شلوغی و اشباع حرفه وکالت در هندوستان، گاندی جوان را با این واقعیت روبرو ساخت که این شغل نمی تواند درآمد قابل اعتنایی برای وی ایجاد کند. از این رو در دوره کوتاهی به عنوان معلم پاره وقت در دبیرستانی در بمبئی مشغول به کار شد. در بازگشت به «راجکات» (یکی از شهرهای ایالت گجرات)





در گفتگو با فیلسوف اخلاق،

احد فرامرز قراملکی،

بررسی شد:

وکالت و چالش‌های اخلاقی

وکیل اخلاقاً موظف به کشف حقیقت نیست، اما موظف به وفاداری به حقیقت است



سید سبحان هوشیار امامی

احد فرامرز قراملکی، استاد تمام گروه فلسفه دانشگاه تهران و یکی از معدود اساتید ایرانی است که در زمینه اخلاق حرفه‌ای فعالیت و پژوهش‌های قابل اعتنایی دارد. اگر چه برقراری ارتباط با چنین استادی سختی‌های خاص خود را داشت، اما پس از برقراری ارتباط، او با متانتی پدرا نه به سوالات ما پاسخ داد. پاسخ‌هایی که می‌تواند چارچوب‌های اخلاقی یک وکیل دادگستری را نظام بخشیده یا استوار سازد.

به عنوان سؤال اول، در تضاد و تراحم بین هنجارهای اخلاقی و مواد قانونی، یک وکیل باید کدام را ترجیح بدهد؟

این مشکل هم مشکل رایجی است و هم مشکلی پیچیده. موارد زیادی پیش می‌آید که الزام‌های اخلاقی با الزامات قانونی در تعارض قرار می‌گیرد؛ از طرفی پایبندی به قانون یک وظیفه اخلاقی است و از طرف دیگر ممکن است یک وظیفه اخلاقی دیگر در برابر این وظیفه قرار بگیرد. بنابراین من تعارض بین اخلاق و قانون را بر می‌گردانم به تعارض بین دو مسئولیت اخلاقی. در تعارض بین دو مسئولیت اخلاقی دو شکل وجود دارد: شکل اول همین حالت تعارض است. مثل همین‌جا که بین وظیفه پایبندی به قانون و وظایف دیگر اخلاقی تعارض پدید آمده است. صورت دیگرش نیز دوراهی اخلاقی است؛ یعنی یا باید یک خلاف اخلاق را از این طرف انتخاب کنم یا از آن طرف. راه سومی هم نمی‌یابم.

در تعارضات اخلاقی از پیش یک شیوه سنتی وجود داشته که می‌گفتند باید اهم را انتخاب و غیر اهم را ترک کرد. در دوراهی نیز می‌گفتند انتخاب بد از میان بد و بدتر. اما در این زمینه می‌توان راه‌های سومی را به میان آورد؛ بنده در کتاب اخلاق حرفه‌ای یک پروتکلی برای یافتن راه‌های سوم پیشنهاد کرده‌ام. اگر بخواهم خلاصه بگویم در هنگام روبرو شدن با یک تعارض یا دوراهی اخلاقی در ابتدا باید ابعاد، عناصر و آثار انتخاب هریک از دو گزینه را تحلیل کنیم. این تحلیل به ذهن ما اجازه می‌دهد که مسیر ذهنی ما برای رسیدن به راه سوم هموارتر گردد. در قدم بعدی از طریق تکنیک «بارش فکری»، راه‌های دیگری که به ذهن خطور می‌کند استقصا و سپس نگاشته می‌شود. در قدم سوم ایده‌های تولید شده با یکدیگر سنجیده می‌شود. در این صورت به راه سوم دست می‌یابید که کمترین هزینه اخلاقی را داشته یا اصلاً فاقد هزینه اخلاقی است. حالا شما از همین حرفه وکلا مثالی ذکر کنید تا من این پروتکل را پیاده می‌کنم.

فرض کنید وکیلی از دو امر با خبر است؛ یکی

این که موکلش بر اساس قانون مجرم و خطاکار است و دیگر این که می‌داند مجازات قانونی برای موکلش مجازاتی نامتناسب یا غیر عادلانه (مثل اعدام) است. آیا این وکیل اجازه دروغ‌گویی یا رشوه‌دادن برای سبک‌تر کردن مجازات موکلش را دارد؟

نمونه خوبی را مطرح کردید. من این مسئله شما را صورتبندی منطقی می‌کنم. تعارض در اینجا این است که من وکیل اگر در این موقعیت به درستکاری خودم پایبند باشم، موکل مجازاتی غیرمنصفانه و غیرعادلانه خواهد شد. از طرف دیگر اگر درستکار نباشم احساس می‌کنم به وظیفه اخلاقی خودم عمل نکرده‌ام. بنابراین پیش روی من دو راه است و به ظاهر راه دیگری نیست. یک راه این است که من درستکار باشم و به وظایف اخلاقی خودم عمل نکنم و راه دیگر این است که درستکار باشم و این مستلزم آن است که موکل مجازات غیرمنصفانه‌ای را بچشد.

این مثال شما یک دوراهی اخلاقی است. پیشنهاد ما این است که در قدم اول شخص دو طرف این قضیه (یعنی درستکار بودن یا درستکار نبودن) را بشکافد و تحلیل بکند. مثلاً بگوید درستکار بودن یعنی چه؟ چگونه است؟ چه ابعاد و اشکال و آثار و پیامدهایی دارد؟ در مورد درستکار نبودن نیز همین‌ها را مطرح کند. وقتی این کار را انجام دادیم از لحاظ منطقی حالتی ایجاد می‌شود که من مجبورم اصطلاحات منطقی را عرض بکنم. وقتی من وکیل می‌گویم در قضیه الف درستکاری بکنم یا نکنم، در واقع ساخت این جملات «قضیه جزئی» است. حال اگر این دو قضیه جزئی را به دو «قضیه کلیه» تبدیل کنم، قضایای فراوانی پیدا می‌شود که به آنها می‌گویم راه‌های سوم. به این معنا که بگویم یک طرف این تعارض این است: من همیشه، به هر شکلی و در هر صورتی درستکاری خودم را حفظ می‌کنم (قضیه موجه کلیه)، طرف دوم این است که من به هیچ وجه، در هیچ شکل و صورتی درستکاری خودم را حفظ نمی‌کنم (قضیه سالبه کلیه).

در این جا راه‌های سومی که این قضایا را می‌تواند از کلیت بپردازد رخ می‌نماید. مثلاً یکی از راه‌های سوم استفاده از روش و طرق قانونی است که برای تقلیل جرم مجازات وجود دارد. به این صورت که وکیل می‌گوید: من صرفاً در حدی که بتوانم از آن قوانین استفاده کنم و مجازات را به شکل منصفانه تبدیل کنم، وقایع لازم را خواهم گفت و اقدام خواهم کرد.

اما در این مثال شما یک پیچیدگی خاصی وجود دارد. زیرا در سمت درستکار نبودن پای مسائلی مثل رشوه یا شهادت دروغ به میدان باز می‌شود. یعنی از ارتباط صرفاً شاک و متشاک فراتر می‌رود. در این جا بحث فاسد کردن سیستم قضایی پیش می‌آید.

دقیقاً مشکل همین جا است. هر دو طرف قبح اخلاقی بالایی دارد.

اگر نتوانید راه سومی بیابید، شما در تعارضات اخلاقی دو کار بیشتر نمی‌توانید بکنید؛ یا این که الهم

فالا هم بکنید و راه دیگر این است که پیگیر دفع فاسد به افسد شوید.

در این موارد باید ارزش‌گذاری بکنید، یعنی ببینید کدام اقدام هزینه اخلاقی بیشتری دارد. در واقع همه عناصر دخیل در مسأله را استخراج می‌کنیم. سپس با توجه به وزن و اولویت اخلاقی هر عنصر، در ستون دیگری به هریک ضریب خاصی می‌دهیم. بعد هزینه اخلاقی هر کدام از این عناصر را بین صفر تا صد می‌نویسیم. در این صورت یک ماتریسی به دست می‌آید که این ماتریس به ما می‌گوید در اینجا درستکاری کن یا نکن. این شیوه الهم فالا هم کردن یا دفع فاسد به افسد است.

گاهی بوده که افرادی به صورت حضوری به ما مراجعه کرده‌اند و ما با حوصله چنین ماتریسی را برایشان ترسیم کرده‌ایم. فایده این کار این است که افراد می‌توانند حتی برای وجدانشان داشته باشند که با علم یقینی (و نه به صورت ظنی) تصمیم من هزینه اخلاقی کمتری داشته است.

این در مواقعی است که شخص تمام تلاش خود را برای پیدا کردن راه سوم کرده اما موفق به یافتن آن نشده است.

یک وکیل با رعایت کدام یک از حداقل‌های اخلاقی در نظر مردم یا در پیشگاه وجدان خویش به عنوان یک وکیل با اخلاق شناخته می‌شود؟

سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه وکالت در دنیا این حداقل‌های اخلاقی را جدول کرده‌اند که به نام اصول اخلاقی وکالت شناخته می‌شود. این‌ها حداقل‌ها یا خط قرمزهای اخلاقی در حرفه وکلا است. اما حداقل‌هایی را نیز آقای «دیوید راس» برای حیطه عمومی اخلاق ترسیم کرده که مواردی را خدمتتان عرض می‌کنم. یک خط قرمز خیلی جدی در اخلاق «منافع و امنیت ملی» است، «امنیت ملی» به عنوان یک ارزش اخلاقی عام بر اخلاق‌های جزئی حاکمیت دارد. به نظرم در مثال رشوه به این نکته اشارتی رفت. اگر وکیلی به نحوی اقدامی بکند که با سلامت و امنیت عمومی جامعه منافات داشته باشد، این نخستین خط قرمز اخلاقی در عرصه وکالت است.

چرا منافع و امنیت ملی یکی از خطوط قرمز اخلاقی در عرصه وکالت است؟

دلیلش این است که اساساً حرفه‌ای به نام دادرسی و همه عناصر مربوط به آن (مثل وکالت) هویت حرفه‌ای‌اش از امنیت عمومی ناشی می‌گردد. اما دومین خط قرمز که در این حرفه بیان کرده‌اند «وفاداری به حقیقت» است. اساساً دادرسی یک نوع کشف حقیقت است و عوامل دخیل در دادرسی باید وفادار به حقیقت باشند. البته این اصل در کار وکالت پیچیدگی‌های خاصی را ایجاد می‌کند. وفاداری به حقیقت ابعاد گوناگونی دارد که یک بعدش درستکاری است.

نظری وجود دارد که وظیفه کشف حقیقت را بر عهده قاضی می‌داند. با توجه به اینکه وکیل با



موکل در ارتباط است، آیا اخلاقاً موظف است که به کنکاش و جستجو درباره حقیقت پرداخته یا می‌تواند بر اساس اصل صحت به گفته یا ادعای موکلش اعتماد کند؟ در ادامه اگر در میانه راه فهمید که موکلش بر حق نیست، اخلاقاً می‌تواند خلاف تعهدات قراردادی‌اش عمل کند یا از ادامه وکالت خودداری نماید؟

سؤال را ماهرانه مطرح کردید؛ تردیدی نیست که جستجو و کشف حقیقت وظیفه حرفه‌ای وکیل نیست. حتی درباره اینکه قاضی وظیفه کشف حقیقت را دارد نیز اختلاف نظر است. کسانی که دادرسی را در برخی حوزه‌ها رفع تخاصم می‌دانند، کشف حقیقت را وظیفه قاضی نمی‌دانند. اگرچه وکیل قطعاً وظیفه کشف حقیقت را ندارد، لیکن وظیفه‌ای به نام وفاداری به حقیقت را دارا است. این دو را باید از هم جدا کرد. در اینکه وکیل باید وفادار حقیقت باشد هیچ تردیدی نیست.

اگر وکیل در فرایند وکالت و پس از مطالعه پرونده متوجه بشود که دفاع از این موکل خلاف حقیقت است، بر اساس اصل وفاداری به حقیقت دیگر وظیفه و مسئولیت دفاع ندارد. خط قرمز وکالت بحث وفاداری به حقیقت است. وکیل نباید در تنظیم قرارداد با موکلش قراردادی را امضاء کند که ملزم به دفاع از هر طریقی باشد. من گاهی آگهی‌هایی در این حیطه می‌بینم که در آن صحبت از وکالت تضمینی شده است.

البتة چنین تبلیغاتی برای وکلا ممنوع است و تخلف محسوب می‌شود.

به این دلیل تخلف است که قانون‌گذار می‌خواسته از یک اصل اخلاقی حمایت شود. آن اصل اخلاقی، وفاداری به حقیقت است. البتة درست است که وکیل چنین وظیفه‌ای را دارد لیکن وظیفه اخلاقی وکیل این نیست که برود به قاضی مثل یک شاهد حقیقت را بگوید. صرفاً وظیفه اخلاقی من اقتضا می‌کند که از این پرونده دفاع نکنم. می‌توانم انصراف بدهم. نهایتاً این که اگر از همراهی نکردن موکل متضرر بشوم، این هزینه‌ای است که برای اخلاق می‌دهم. قرار نیست اخلاقی باشیم به شرط آن که برایمان هزینه نداشته باشد. بلکه فرد اخلاقی فردی است که اگر پایبندی‌اش به اخلاق برایش هزینه داشت باید هزینه آن را بپردازد. من گاهی می‌بینم فرد حاضر نیست برای اخلاق یک هزینه «عذر می‌خواهم» یا «اشتباه کردم» بپردازد.

با این استدلال آیا می‌توان نتیجه گرفت که وکیل اخلاقاً حق دفاع از یک جانی را ندارد؟

خیر؛ منظور من این نبود و به لحاظ منطقی نیز نمی‌توان از آن چنین نتیجه‌ای گرفت. این جانی که شما می‌گویید چه زمانی مشخص شده که جانی است؟ در ابتدای فرایند دادرسی یا در انتهاش؟ اگر در اول پرونده مشخص باشد که دیگر احتیاجی به قاضی و وکیل نیست. تشخیص این که این شخص جانی است نتیجه یک فرایند است. در آن فرایند قاضی تشخیص می‌دهد که متهم مجرم است یا خیر. وکیل اینجا نقش خیلی مهمی دارد و می‌تواند تلاش کند که مجازات موکل متناسب با جرم باشد یا در فرایند رسیدگی حقوق اولیه این فرد رعایت شود. من دفاع را به معنای تیرنه کردن نمی‌دانم. وکیل نباید با آن بعد پرونده که خلاف حقیقت است همراهی بکند.

ضمن تشکر از وقتی که به ما دادید، اگر سخن پایانی دارید بفرمایید.

مرحوم «بهمن کشاورز» کتابی با نام «وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای» دارد که به‌نظرم در عین کم‌حجم بودن، غنی است و از اولین کتاب‌هایی است که در این زمینه در زبان فارسی چاپ شده است. من آن را نقدی کرده‌ام که در کتاب «ارمغان نقد» چاپ شده است. با مطالعه این متن، می‌توان با حوصله بیشتری این مباحث را پیش برد. ■

همایش

رئیس اسکودا: کانون وکلای مستقل



فرزانه صفری

وکیل پایه یک دادگستری

برخلاف امنیت ملی است که ما در مقابل آن دفاع می‌کنیم. ما سیاسی نیستیم اما منافع ملی برایمان مهم است. دکتر شهبازی‌نیا در مورد اتهام انحصارطلبی به کانون‌های وکلا نیز گفت: «وکلا را متهم می‌کنند به انحصار اما این بهانه‌ای برای ضربه زدن به استقلال است. مسئله، ظرفیت نیست. ما هرساله برای جذب وکیل آزمون برگزار کرده‌ایم. این چه انحصارگرایی‌ای است؟ ابتدایی که گریبان آموزش رشته حقوق را گرفته مشکل‌ساز شده است.»

این استاد دانشگاه در ادامه ضمن اشاره به این مطلب که نهاد وکالت دستاورد تاریخی و تکمیل‌کننده مشروطیت در ایران است، به انتقاد از اداره آیین‌نامه‌ای کشور پرداخت و افزود: «ما اداره آیین‌نامه‌ای قوه قضائیه را قبول نداریم و تا جایی که بتوانیم زیر بار نمی‌رویم. نباید مجلس را دور زد. نهاد وکالت در این زمینه نگرانی دارد و قوه قضائیه نگذار جمعیت وکلا دلزده شوند. عزیزان به گونه‌ای رفتار کنند که بفهمیم همه در یک کشتی هستیم و همه یک مقصد داریم.»

ضعف اطلاع‌رسانی همایش سی‌وسوم را باید یک نقیصه شاخص آن دانست. علی‌رغم وعده‌ی خبررسانی لحظه به لحظه در وبسایت کانون وکلای دادگستری فارس، تنها به انتشار چند عکس در ساعات اولیه برگزاری همایش اکتفا شد. البتة همچون ادوار گذشته از محتوا و مشروح مذاکرات مدیران نهاد وکالت در این دو روز هیچ خبری منتشر نشد و همایش نهایتاً به سیاق دوره‌های پیشین با صدور بیانیه پایانی به کار خود خاتمه داد.

بیانیه پایانی همایش سی‌وسوم

۱. اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ضمن تقدیر از تلاش‌های وکلای توانمند و مجرب در حفظ منافع ملی کشور در سال‌های اخیر که منجر به توفیق در دعاوی بین‌المللی

همایش سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران را که دوبار در سال و هر بار به میزبانی یکی از کانون‌های وکلای دادگستری برگزار می‌شود، می‌توان مهم‌ترین رویداد حرفه‌ای جامعه وکلای ایران دانست.

سی‌وسومین همایش سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران در ۲۲ و ۲۳ آبان و با حضور اعضای هیأت مدیره کانون‌های بیست‌وپنج‌گانه به میزبانی کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد در شهر شیراز برگزار شد. در این همایش، بر اساس محورهای از پیش تعیین‌شده بر سه موضوع حق دفاع مردم، مشارکت وکلا در مسائل حقوقی بین‌المللی کشور و ارتقا مشاوره و وکالت معاضدت‌ی به شهروندان، تأکید و تلاش شد تا اتحاد و هماهنگی کانون‌های وکلای کشور در قامت لباس متحدالشکل وکالت به نمایش گذاشته شود.

از دیگر نکات جالب توجه در این مراسم شعرخوانی «هومان پارسا»، رئیس کانون وکلای میزبان بود که با ذکر گفتگوی چنار تنومند و کدوی مغرور از زبان «ناصر خسرو»، تعریضی به حمله‌های اخیر علیه کانون‌های وکلا زد و توضیحاتی در این باب بیان کرد.

در این همایش انتخابات هیأت رئیسه اسکودا نیز برگزار شد که به ترتیب مرتضی شهبازی‌نیا، علی پزشکی، ابراهیم کیانی، امیر حسین سجادی و حسین حجتی به سمت‌های رئیس، نائب رئیس اول و دوم و بازرس اصلی و علی البدل برای مدت دو سال انتخاب شدند.

رئیس پیشین و فعلی اتحادیه سراسری اسکودا در آیین گشایش همایش شیراز ضمن بیان این نکته که استقلال وکلا حق عامه است، بیان کرد: «در بخش حقوق ملت در قانون اساسی نیز این مورد به رسمیت شناخته شده است. حفظ استقلال کانون وکلا به خاطر ملت است نه وکلا و اقدامی بر خلاف آن اقدامی

یادنامه



کوروش کاویانی باغبادرانی، وکیل دادگستری و دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، روز ۱۱ آبان ماه پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری چشم از جهان فروبست.

دکتر کاویانی متولد سال ۱۳۳۹ و دارای آثار علمی دقیقی در عرصه حقوق تجارت بود که چهار کتاب «مقدمه حقوق تجارت»، «حقوق شرکت‌های تجاری»، «حقوق استاد تجارتی» و «حقوق ورشکستگی» از جمله آنهاست.

پس از انتشار خبر درگذشت این صاحب‌نظر حقوق تجارت، دکتر مرتضی شهبازی‌نیا، رئیس اسکودا در صفحه اینستاگرام خود چنین نوشت: «دوست عزیز و رفیق مهربان قدیمی‌ام جناب استاد دکتر کوروش کاویانی به رحمت واسعه حق تعالی نائل شد. جامعه حقوقی عمداً ایشان را صاحب‌نظر در عرصه حقوق تجارت می‌شناسد درحالی‌که به توفیق سالیان متممادی همکاری و شناخت، که از اواسط دهه هفتاد آغاز شد، شهادت می‌دهم که علاوه بر حقوق خصوصی، بر مبنای حقوق اساسی و حقوق اجتماعی نیز مسلط بود و شاید همین نگاه از فراز او را صاحب‌سبک در دانش حقوق ساخته بود. دکتر کاویانی صرفاً یک حقوقدان تکنیکی نبود، بلکه به مدد ذهن وقاد و دقت نظر فوق‌العاده و تسلط بر مبنای، از تفکر حقوقی خاص برخوردار بود و همین ویژگی او را ممتاز می‌ساخت. شاید اگر دست روزگار، دکتر کاویانی را در عنفوان جوانی به بیماری مشغول نمی‌کرد، در همین دو دهه اخیر نیز نظام حقوقی ما بسیار پیشتر از این می‌توانست از دانش و تفکر وی بهره‌مند شود.»

ماهانامه حقوقی و کلافقدان این وکیل اندیشمند و مدرس متواضع دانشگاه را به خانواده ایشان و جامعه حقوقی کشور تسلیت می‌گوید.



سی و سوم

یکی از حقوق ملت است

گردیده است، همچنان خود را برای دفاع از حقوق ملت و منافع ملی در دعاوی بین‌المللی اعلام می‌نماید.

۲. کانون‌های وکلای دادگستری از دیرباز دسترسی آسان به عدالت قضایی را برای همه شهروندان از طریق ارائه خدمات گسترده معاضدتی و وکالت‌های تسخیری فراهم نموده و در تأمین حقوق دفاعی آنان از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد و معتقد است این تلاش‌ها در کاهش اطلاع دادرسی، کاهش اشتباهات قضایی و حفظ حقوق شهروندی آثار غیر قابل انکار دارد.

۳. کانون‌های وکلای دادگستری با اعتقاد به حاکمیت قانون، قاعده‌گذاری آیین‌نامه‌ای را بر خلاف این سرمایه بزرگ حقوقی و ناقض صلاحیت قانونگذاری و موجب بی‌نظمی در نظام حقوقی می‌داند. لذا ضمن تأکید بر ضرورت مقابله با مفساد اقتصادی و لزوم تقویت سلامت نظام اداری کشور، آمادگی کانون‌های وکلای دادگستری را در جهت ارتقای سلامت نظام اداری اعلام و بر رعایت قانون آیین دادرسی کیفری در فرایند دادرسی تأکید می‌نماید.

۴. وجود کانون‌های وکلای دادگستری مستقل، یکی از سرمایه‌های بزرگ نظام‌های حقوقی است و آثار آن بر استقرار دموکراسی، توسعه ملی، سرمایه‌گذاری خارجی و اعتبار احکام صادره از دادگاه‌ها در مراجع بین‌المللی بر کسی پوشیده نیست. تضعیف این نهاد، سیاست نادرستی است که بر توسعه ملی کشور تأثیر خواهد گذاشت. کانون‌های وکلای دادگستری مخالفت جدی خود را با خط‌مشی و رویه‌های عملی اخیر که استقلال کانون‌های وکلا و حق دفاع مردم را نشانه گرفته است، از جمله تبلیغات رسانه‌ای سراسری بدون فرصت پاسخگویی، برگزاری آزمون خلاف قانون، جذب غیر قانونی وکیل و تأسیس و فعالیت مؤسسات حقوقی غیر مجاز اعلام می‌دارند. حفظ

و توسعه نهادهای مدنی از لوازم ذاتی حاکمیت قانون بوده و همه‌های سازمان‌یافته به آن خصوصاً بر کانون وکلای دادگستری و وکیل دادگستری، غیر قابل پذیرش و مغایر با منافع ملی کشور است.

۵. کانون‌های وکلای دادگستری بر لزوم حذف تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری که مغایر با قانون اساسی و حقوق دفاعی متهم است، تأکید نموده و همه وکلای واجد صلاحیت اقدام برای دفاع از متهمین می‌دانند؛ زیرا انتخاب وکیل حق مردم بوده، ایجاد محدودیت در آن مغایر حقوق بنیادین مردم است.

۶. با توجه به تأکید ریاست محترم قوه قضاییه بر رعایت قانون‌مداری در فرایند دادرسی، لزوم رعایت ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی، مصوب سال ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و مصونیت و برخورداری از تأمینات شغلی وکلای دادگستری در مقام دفاع، به کلیه مراجع قضایی و مآلاً درخواست بازنگری در احکام محکومیت همکاران وکیل، مورد تقاضا است.

۷. هیأت عمومی ضمن تشکر از میزبانی کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویر احمد، کانون وکلای دادگستری اصفهان را میزبان همایش سی‌وچهارم تعیین می‌نماید.

حضور در حافظیه و گرفتن عکس یادگاری در پایان این نشست، یکی از معدود ابتکارات کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویر احمد در این دوره بود. حضوری که یادآور این ایبات از دیوان حافظ است:

چگونه دعوی وصلت کنم به جان که شده است

تنم وکیل قضا و دلم ضمان فراق

به پای شوق گر این ره به سر شدی حافظ

به دست هجر ندادی کسی عنان فراق ■



قزوین؛ خیرالموجودین

در ۲ ماه گذشته کانون وکلای قزوین

شفاف‌ترین عملکرد را

در بین ۲۵ کانون وکلای دادگستری کشور

داشته است

بر اساس شیوه‌نامه «مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی» (ابلاغ شده در تاریخ ۹۸/۰۲/۲۸) قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» (مصوب ۱۳۸۸/۰۵/۳۱)، کانون‌های وکلای دادگستری نه تنها باید روزه‌های شفافیت را به روی مخاطبان خود باز نگه دارند، بلکه می‌بایست به سرعت این روزه‌های محدود و حداقلی را به درهایی گشاده تبدیل کنند تا هر فرد (وکیل و غیر وکیل) امکان ورود و دریافت اطلاعات درخواستی اش را داشته باشد.

بر این اساس با رصد درگاه‌های اینترنتی (سایت و شبکه‌های اجتماعی) کانون‌های وکلای دادگستری، به مقایسه عملکردشان با شفافیت مطلوب قانونی پرداختیم. اگرچه نتایج این مقایسه تطبیقی نویدبخش عملکرد قوی کانون‌های وکلا در عرصه شفافیت نیست، اما بر آن شدیم تا با نگاهی خوشبینانه و با معرفی شفاف‌ترین‌ها، مسیر حرکت کانون‌های وکلا را در مسیر انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات دنبال کنیم.

در این راستا چندی است که هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری قزوین عملکرد خود را در اتاقی نسبتاً شیشه‌ای قرار داده تا شرایط رصد کارکرد مدیران کانون فراهم گردد. در این جهت اطلاع‌رسانی مداوم و به روز بودن شبکه اجتماعی این کانون کمک می‌کند تا مخاطبان از اقدامات در دست انجام با خبر شده و فعالیت‌های آن را تحت نظر داشته باشند.

انتشار برخی آرای صادره از دادگاه انتظامی وکلای قزوین از جمله این اقدامات شفافیت‌زا است. البته بر اساس ماده ۸ شیوه‌نامه، اعلام و انتشار تعداد و انواع تخلفات و جرایم انتظامی صورت گرفته و تعداد و مشخصات پروانه‌های معلق یا ابطال شده نیز ضرورت دارد. مواردی که جای خالی آن در اطلاع‌رسانی‌های این کانون احساس می‌شود.

شاید مهمترین رکن شفافیت کانون وکلای قزوین، تلاش برای شفافیت مالی (مصرح در ماده ۴ شیوه‌نامه مذکور در بالا) باشد. برای مثال تا هنگام نوشتن این متن، کانون مذکور به انتشار ریز درآمد و هزینه‌کرد خود در دو ماه شهریور و مهر اقدام کرده و وعده ادامه داشتن این روند نیز داده شده است. وعده‌ای که احتمال می‌رود با توجه به عملی نشدن آن برای ماه آبان، به دست فراموشی سپرده شده است.

گزارش ریز آمار عملکرد اداره معاضدت قضایی کانون و انتشار صورت‌جلسه کمیسیون‌ها علاوه بر صورت جلسه هیأت مدیره) هر چند به صورت کوتاه و مبهم، از دیگر اقدامات این کانون است که می‌توان آنها را به مثابه قدم‌های کوچکی در راه شفافیت دانست.

اگرچه شفافیت کانون قزوین در آبان ماه به نسبت دو ماه مهر و شهریور کم‌فروغ شده، لیکن شاید بتوان با مسامحه هیأت مدیره فعلی را که از خرداد ۹۸ سکان‌دار هدایت این کانون شده‌اند، در این زمینه نسبتاً موفق دانست و کانون قزوین را در زمینه شفافیت خیرالموجودین قلمداد کرد.



کانون وکلای عراق حضور در صحنه تحولات اجتماعی



سید سبحان هوشیار امامی

در روزهایی که عراق شاهد اعتراضات مردمی جهت اصلاح قانون اساسی این کشور است، رئیس کانون وکلای عراق طی سخنانی ضمن محکوم کردن اعمال خشونت شدید در برابر تظاهرکنندگان، خواستار جلوگیری از به‌انحراف کشیده‌شدن اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم عراق در اثر درگیری‌های حزبی و سیاسی شد.

کانون وکلای عراق از نهادهای مردمی دیرپا در این کشور است که عقبه‌ای ۸۶ ساله دارد. این کانون در سال ۱۹۳۳ و به موجب قانون «نقابة المحامين» (کانون وکلا) تأسیس شد. اگرچه کانون وکلای عراق تا سال ۱۹۶۰ بر اساس این قانون ۹ ماده‌ای اداره می‌شد، لیکن ساختار و چارچوبش در این سال به موجب قانون جدیدی با نام «المحاماة» (وکالت) شفاف‌تر شده و بروز گردید.

بر طبق ماده ۵۸ قانون «المحاماة» رئیس کانون وکلای عراق در تمامی اموری که جایگاه وکیل یا نهاد وکالت را تهدید می‌کند، اجازه موضع‌گیری دارد. بر این اساس وی مجاز است تا به‌عنوان مدعی و خواهان در تمام مواردی که کرامت وکیل دادگستری یا کانون وکلا را مخدوش می‌کند، اقدامه دعوا کند.

بر اساس همین ماده بود که ضیاء السعدی، رئیس کانون وکلای عراق، پس از ناپدید شدن یکی از وکلای این کشور به نام «علي جاسب خطاب» در ضمن بیانیه‌ای خواستار روشن‌شدن وضعیت کسانی که در ایام اعتراضات ناپدید شده‌اند، گردید و از مقامات مسئول، حفظ امنیت جانی و آزادی این وکیل دادگستری را مطالبه کرد.

رئیس کانون وکلای عراق در این بیانیه همچنین خواستار شناسایی و تعقیب عوامل حمله به اماکن عمومی و خصوصی و قتل تظاهرکنندگان شد و بر لزوم برخی اصلاحات در قانون اساسی کشور عراق تأکید کرد.

برخی اصلاحات قانونی مورد مطالبه در بیانیه کانون وکلای عراق به این ترتیب است:

- اصلاح قانون اساسی ۲۰۰۵ در راستای جایگزینی عامل «شهروندی» با مؤلفه‌ها و وابستگی‌های مذهبی، ملی، فرقه‌ای و حزبی؛
- بازنگری در قانون انتخابات، شرایط نامزدی، رأی‌گیری محرمانه و اطمینان از مشارکت دستگاه قضا در نظارت بر انتخابات؛
- لغو فرمان قانونی شماره ۴۴ سال ۲۰۰۸ که در توزیع مناصب حکومتی و دولتی، سهمیه‌های حزبی و فرقه‌ای پیش‌بینی کرده است؛

- لغو تمامی قوانین عادی مغایر با حقوق مدنی، سیاسی و حقوق مصرح در قانون اساسی؛
- تسریع در تصویب قانون «از کجا آورده‌ای؟» در جهت مبارزه با فساد و حیف و میل بیت‌المال؛

- انتخاب قضات شورای عالی قضایی و دادگاه‌های تجدیدنظر از پایگاه گسترده قضات (به‌جای مجلس نمایندگان) در جهت تقویت استقلال قوه قضائیه.

این مطالبات که در اوایل آبان‌ماه و در راهپیمایی مسالمت‌آمیز وکلای دادگستری عراق در بغداد بیان شد، مورد حمایت اتحادیه «وکلاي عربي» نیز قرار گرفت. در بخشی از بیانیه این اتحادیه چنین آمده است: «اتحادیه وکلای عربی همبستگی کامل خود را با موضع شجاعانه کانون وکلای دادگستری عراق در حمایت و همبستگی با مردمانی که به دنبال آزادی و عدالت اجتماعی‌اند، ابراز می‌دارد و... تمام توان خود را در حمایت از تلاش‌های قانونی کانون وکلای عراق به‌کار می‌بندد.»

بر اساس ماده ۵۸ قانون «المحاماة» رئیس کانون وکلای عراق حق دارد در تمام مواردی که کرامت وکیل دادگستری یا کانون وکلا مخدوش می‌شود، به‌عنوان خواهان اقدامه دعوا کند.

گفتنی است مجمع کانون وکلای عراق طی اطلاعیه‌ای از همه وکلای دادگستری این کشور خواست تا به نشانه همبستگی با اعتراضات مردمی، از روز چهارشنبه ۸ آبان تا دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۸ از مراجعه به دادگستری این کشور خودداری کنند. ■

اخبار کانون های وکلای دادگستری

نشست کانون های وکلای دادگستری غرب

نشست منطقه ای کانون های وکلای دادگستری غرب کشور یکم و دوم آبان ماه با حضور رؤسا، نواب رئیس و نمایندگان هفت استان همدان، کرمانشاه، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کردستان، ایلام و مرکزی در همدان برگزار شد. شرکت کنندگان این نشست با تأکید بر سخنان رئیس قوه قضائیه مبنی بر اینکه جذب بی رویه وکیل موجب فساد می شود، نسبت به فشارهای سازمان یافته با هدف تزلزل نهاد وکالت اعتراض کردند.



همچنین درباره ایجاد رویه واحد در رسیدگی به شکایات واصله از ناحیه اشخاص نسبت به وکلا؛ یکنواخت سازی آموزش وکلا و کارآموزان و بررسی قانون صندوق حمایت و تأمین حقوق وکلا تصمیم گیری شد. همچنین کانون وکلای دادگستری کرمانشاه به عنوان میزبان بعدی این نشست انتخاب شد.

جلسه هیأت عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز

جلسه هیأت عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز روز ۱۹ آبان برگزار شد و دکتر عیسی امینی، رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز، گزارش عملکرد دوره سی ام هیأت مدیره این کانون را ارائه داد.

«کیان کانون وکلا و نحوه حفظ استقلال آن در مقابل حمله های وارده»؛ «هیأت مدیره و اداره آن»؛ «وضعیت مالی، اداری و استخدامی کانون وکلا» و... بعضی سرفصل های این گزارش بودند.



از موارد جالب توجه گزارش همچنین می توان به این مطالب اشاره کرد:

دستگیری باند جعل تمبر و پروانه وکالت که چند میلیارد تومان به کانون وکلا زبان مالی وارد ساخته بود و نیز تصمیم بر انحلال مرکز علمی کاربردی کانون و تبدیل آن به مرکز آموزشی و پژوهشی کانون وکلا.

دیدار نمایندگان کانون مرکز با رئیس قوه قضائیه

بر اساس اعلام «عیسی امینی» در نشست گزارش عملکرد دوره سی ام هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز، وی به همراه دو نفر دیگر از اعضای هیأت مدیره در اواسط آبان به دیدار

حجت الاسلام رئیسی رفته است. گرچه زمان و جزئیات این دیدار مشخص نیست اما مسئله استقلال وکلا و مشکلات پیش روی کانون ها در این زمینه، از جمله موضوعات مطرح شده در این جلسه بوده که به گفته عیسی امینی، رئیس قوه قضائیه نظر قاطع بر بقای کانون وکلا، حمایت از استقلال آن داشته است. همچنین در این جلسه مقرر شد تا محمد مصدق، معاون حقوقی قوه قضائیه، موضوع مطرح شده را پیگیری کند.

همایش دادستان های کانون وکلا

این همایش در تاریخ ۳۰ آبان و پیرو مصوبه شورای اجرایی اسکودا در تهران برگزار شد. شاید مهمترین هدف از برقراری چنین نشست را بتوان ایجاد وحدت رویه در رسیدگی به تخلفات پرتکرار از قبیل تمرکز فعالیت وکالتی در غیر محل اشتغال و همچنین رفع اختلافات عملی موجود در آیین دادرسی دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا دانست.

با توجه به پوشش خبری ناکافی، درباره مفاد مباحث صورت گرفته در این نشست یک روزه و مصوبات احتمالی آن درباره موضوعات طرح شده در دعوت نامه اطلاعات چندان در دست نیست. در بیانیه پایانی همایش نیز صرفاً بر اهمیت دادرسی عادلانه، شفافیت بالای دادستانی انتظامی، عدم تحمل تخلفات صنفی و مشی پیشگیرانه تأکید شده است. گفتنی است پیشتر کانون وکلای البرز اولین نشست تخصصی دادستان های انتظامی وکلا را در سال ۹۴ برگزار کرده بود.

کانون بوشهر و مالیات بر درآمد وکلا

هم زمان با بالاگرفتن طرح اتهامات مالیاتی نسبت به وکلا، روابط عمومی کانون وکلای دادگستری بوشهر از مصوبه مردادماه هیأت مدیره این کانون راجع به عدم تعهد وکلای کانون متبوع خود بر پرداخت فوری مالیات، سهم کانون و صندوق حمایت خبر داد و اعلام کرد: «با فرض تنظیم قرارداد مالی وکیل با موکل تا زمانی که حق الوکاله در اختیار وکیل قرار نگرفته باشد، وکیل دادگستری تعهدی بر پرداخت نداشته و تخلف محسوب نمی گردد. این مصوبه به عنوان نظامات داخلی به دادرسی انتظامی کانون ابلاغ خواهد شد و بدون هیچ قیدی لازم الاجرا است.»

حضور فعال کانون آذربایجان غربی در نمایشگاه کتاب تبریز

کانون وکلای دادگستری آذربایجان غربی به منظور ارتقای فرهنگ مراجعه به وکیل در نمایشگاه کتاب تبریز که از ۲۹ مهر الی ۴ آبان دایر بود، غرفه ای را به خود اختصاص داده و در راستای این هدف پاسخگوی پرسش های مراجعین اعم از مردم و مسئولان بود. حضوری که می توان آن را گامی در جهت تأثیرگذاری و اعتمادسازی برای وکلا در عرصه افکار عمومی جامعه دانست.



تغییرات وظایف کارآموزی در کانون قزوین

هیأت مدیره جدید کانون وکلای دادگستری قزوین هم راستا با سایر تصمیمات شایان توجه خود، تغییراتی را نیز در وظایف کارآموزان وکالت مصوب کرده است.

بر این اساس اولاً برای هر کارآموز سه وکیل سرپرست (هر کدام یک دوره شش ماهه) تعیین خواهد شد. همچنین کارآموزان به صورت ماهانه موظف به شرکت در امتحانات علمی هستند که نتایج آن در نمره آزمون اختبار آنان مؤثر خواهد بود.

برگزاری دادگاه مجازی در کانون وکلای اصفهان

کمیسیون آموزش کانون وکلای اصفهان در ۱۱ آبان دادگاهی مجازی با موضوع قتل عمد و شروع به قتل ترتیب داد که با حضور گسترده علاقمندان روبرو شد. در اجرای این دادگاه نمایشی (با موضوع قتل یک کودک) برخی قضات و وکلای دادگستری نیز حضور داشتند. ماهنامه وکلا پیوند هنر و حقوق را که چندی است توسط برخی کانون های وکلا مشغول پیگیری است، به فال نیک گرفته و امیدوار است که این سنت حسنه توسط سایر کانون ها نیز پیگیری شود.



دومین دوره مسابقات سراسری فوتبال وکلای کشور

در این مسابقات که از تاریخ ۱۶ الی ۲۱ آبان در شهر شیراز برگزار شد، ۷ تیم از ۵ کانون وکلا شرکت داشتند که در نهایت تیم الف کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد با شکست تیم کانون مرکز موفق به کسب عنوان قهرمانی شد. از قهرمانان این دوره در همایش سراسری اسکودا تجلیل گردید.



یک وکیل دادگستری؛ رئیس شورای شهر میاندوآب

بر اساس آنچه روابط عمومی کانون وکلای دادگستری آذربایجان غربی اعلام کرده، داریوش عسگری وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای آذربایجان غربی به ریاست شورای شهر شهرستان میاندوآب برگزیده شده است.

از مجمع وکلای رسمی تا کانون وکلای دادگستری



مونا زنده‌دل
وکیل پایه یک دادگستری

نگاهی به تاریخچه فعالیت‌های صنفی وکلا در ایران

وزارت عدلیه با قبول این درخواست و تصویب علامت پیشنهادی برای مجمع، «نظام‌نامه اساسی وکلای رسمی» را صادر کرد. از مواد جالب این نظام‌نامه، مواد ۲۱ و ۲۲ آن است که مقرر داشته: «همه‌ساله ۱۵ روز قبل از نوروز، دیوان عالی تمیز و محاکم استیناف وکلایی را که در ضمن عملیات خود اثبات فهم و ادراک و مخصوصاً قابلیت و درستی خود را نموده‌اند بوزارت عدلیه معرفی می‌نمایند. وکلای رسمی که دارای تصدیق‌نامه درجات ثلاثه می‌باشند و اثبات لیاقت خود را نموده‌اند، می‌توانند بشغل قضاوت منصوب شوند.»

به این ترتیب تیرماه ۱۳۰۰ را می‌توان سرآغاز حرکت صنفی وکلاء دانست. این مجمع توانست در آن شرایط حساس (دوران کودتا) و علی‌رغم مستقل نبودن، از حقوق وکلا دفاع کند.

اولین هیأت‌مدیره مجمع نیز در تیرماه همین سال با هفت عضو انتخاب شد و آغاز به کار کرد اما طول عمر مجمع به دو سال نیز نرسید. بر اثر اختلافات داخلی جامعه وکالت، مجمع عمومی دیگر تشکیل نشد و با انقضای مدت انتخاب هیأت‌مدیره، مجمعی که با تلاش فراوان ایجاد شده بود به تدریج از بین رفت. مهم‌ترین دلیل این اختلافات، مسئله اعطای تصدیق‌نامه به وکلای سابق بود که بعضاً مورد موافقت عدلیه قرار نمی‌گرفت و این افراد، مجمع وکلای رسمی را به کوتاهی و کم‌کاری در رفع این مشکل متهم می‌کردند. شرایط خاص جامعه پس از کودتا و بلاتکلیفی و بی‌انگیزگی افراد نیز عاملی دیگر برای تداوم این وضعیت بود.

علی‌رغم این عمر کوتاه، هیأت‌مدیره اقدامات جالب توجهی انجام داد که برخی از آنها به نقل از «راپورت» (گزارش) پایان کار هیأت به این شرح است: «تهیه محل مجمع در عمارت عدلیه...، تهیه وجه برای تعمیر محل مزبور، گذرانیدن (تصویب) نظام‌نامه داخلی...، تهیه کتابخانه و کتب فقهیه و دوره‌های قوانین، تهیه بودجه با فقدان تمام وسائل با اینکه اغلب آقایان از پرداخت شهریه استنکاف فرمودند...، انتخاب وکیل مجانی برای امور جنایی به خود مجمع تفویض شد و دیگر محکمه جنایت بدون مراجعه به مجمع تعیین وکیل مدافع برای مجرمین نخواهد کرد...»

سال‌های بی‌مهری

خاموشی فعالیت‌های صنفی وکلا تا آبان ماه ۱۳۰۴ و انتقال حکومت از قاجار به پهلوی ادامه داشت تا اینکه مرحوم علی اکبر خان داور به وزارت دادگستری رسید.

او که تحصیل کرده‌ی سوییس و دارای تصدیق‌نامه وکالت بود، با ذهنیتی که از دادگستری اروپا داشت، در بهمن ماه ۱۳۰۵ اختیار ویژه‌ای را برای ایجاد عدلیه نوین از رضاشاه اخذ کرد. در بیستم بهمن ۱۳۰۵ این آگهی از سوی وزیر عدلیه در روزنامه‌ها منتشر شد: «کلیه تشکیلات عدلیه موجوده در تهران از فردا منحل است.»

کتاب مرا چنان پرکرد
که مرا آلمان ۲۲۲

اعلان

کلیه تشکیلات عدلیه موجوده در طهران از

فردا منحل است پنجمین ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۵

وزیر عدلیه - داور

یک هفته بعد مجلس به او اجازه داد تا اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه را به‌وسیله کمیسیونی که خود انتخاب می‌کند، اصلاح نماید و پس از اجرای آزمایشی شش‌ماهه، به مجلس پیشنهاد کند. کمیسیون شش‌نفره‌ای که متعاقباً با حضور افرادی همچون شیخ محمد بروجرودی (عبدیه) ایجاد شد، «اصول تشکیلات عدلیه» را تنظیم کرد که از اردیبهشت ۱۳۰۶ به اجرا درآمد.

سال به طول انجامید تا اینکه قانون «اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه» در ۲۷ شهریور ۱۲۹۰ در کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی تصویب شد. در فصل چهارم این قانون، شرایط و اوصاف وکلا بیان شده بود. این قانون وکلا را به دو گروه وکلای رسمی (کسانی که وکالت را شغل خود قرار داده‌اند) و وکلای غیررسمی (کسانی که وکالت شغل آنها نیست و اگر وکالتی می‌کنند بر سبیل اتفاق است) تقسیم می‌کرد. بر این اساس وکلای رسمی می‌بایست حائز شرایط خاصی بوده و امتحان علمی را نیز نزد وزارت عدلیه طی کنند. اوراق امتحانی به وزارت عدلیه ارسال می‌شد و ارائه تصدیق‌نامه نیز منوط به تأیید وزیر عدلیه یا رئیس دادگاه استیناف ولایات بود.

۶۶

«اصول تشکیلات عدلیه» وکلا را موظف می‌کرد

از هرگونه مقررات و نظاماتی را وزارت عدلیه

برای آنها تنظیم می‌کند اطاعت کنند. یکی از

شدائد این دوران، سلب حق اجتماع و اعتصاب

از وکلا بود که ضمانت اجرای «انفصال فوری و

دائم از وکالت» برای آن پیش‌بینی شده بود.

علیرغم ابلاغ این قانون، وکلا همچنان به مقاومت و اعتراض ادامه می‌دادند و این تصمیمات را تبعیض آمیز و بلاوجه می‌دانستند. نهایتاً در تیرماه سال ۱۲۹۶ وزارت عدلیه «نظام‌نامه امتحان وکلای رسمی عدلیه» را تنظیم و منتشر کرد. در نظام‌نامه جدید به بعضی از اعتراضات وکلا توجه و مقرر شده بود برای تشخیص صلاحیت و لیاقت داوطلبان وکالت، کسانی که به تازگی به صنف وارد می‌شوند ملزم به گذراندن امتحان باشند، اما درباره گروهی که پیش از فرمان شاه (۲۶ شوال ۱۳۳۲ ه.ق) مشغول به وکالت شده باشند، صرفاً به بررسی برخی از پرونده‌های آنها اکتفا شود. مرجع برگزاری این امتحان، «کمیسیون امتحان اعضا و اجزای عدلیه» بود. تصدیق‌نامه وکالت نیز از سوی زارت عدلیه اعطا می‌شد. این وزارت همچنین می‌توانست در صورت عدم تأیید اخلاقی وکلا، از ارائه تصدیق‌نامه به آنها خودداری کند.

ظهور و افول اولین نهاد صنفی

در سال ۱۳۰۰ شمسی و پس از آنکه عده‌ای نسبتاً کافی از وکلا تصدیق قانونی وکالت را دریافت کردند، در نامه‌ای خطاب به وزارت عدلیه خواستار تشکیل «مجمع وکلای رسمی» شدند. تشکیل این مجمع در «نظام‌نامه امتحان وکلا» پیش‌بینی شده و هدف از ایجاد آن، نظم‌دادن به امور وکلا و حلقه ارتباطی وکلا با وزارت عدلیه بود.



وزارت عدلیه اعظم
مجمع وکلای رسمی

نهضت ضد استبدادی مردم ایران که منتهی به صدور فرمان مظفرالدین شاه در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۲۵۸ (۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ه.ق) و اعلان مشروطیت شد، سرآغاز تحولات بنیادی سیاسی و اجتماعی در کشور محسوب می‌شود.

یکی از شعارها و آرمان‌های مهم این انقلاب، ایجاد عدالتخانه قانونی بود. با پیروزی مشروطه و تدوین قانون اساسی و متمم آن تلاش برای تفکیک قوا و ایجاد نظم و اسلوب مشخص برای دستگاه قضایی و مأموران آن آغاز شد.

تا این زمان بیشتر محاکم موجود را روحانیان اداره می‌کردند و افراد اندکی از تحصیل‌کردگان مدارس جدید و فرنگ‌رفتگان نیز در زمره قضات آن دوران بودند. با ایجاد تشکیلات و محاکم قضایی عدلیه (دادگستری)، دولت برخی از این افراد را که لایق‌تر تشخیص داده بود برای حضور در ساختار جدید دعوت کرد.

وکالت نیز تا این تاریخ نظام و قانونمندی خاصی نداشت و هرکسی می‌توانست به این شغل وارد شود. اغلب وکلا به واسطه آشنایی با اصول فقهی و استنباطات احکام شرعی و فتاوی علماء به دفاع از موکلان خود می‌پرداختند.

مشکل عمده این دوران فقدان قوانین سازمانی و دادرسی بود و برای حل این مشکل، مرحوم حسن پیرنیا (وزیر عدلیه وقت که تحصیل کرده‌ی دانشکده حقوق مسکو بود) در سال ۱۲۸۷ کمیسیون تنقیح قوانین را تشکیل داد. وظیفه اصلی این کمیسیون ترجمه قوانین خارجی، تهیه مقرراتی درباره نحوه اداره و کار محاکم و جواب‌دادن به سؤالات قضایی بود.

با این وجود فقدان قوانین مشخص درباره وکالت باعث برخی سوءاستفاده‌ها و نارضایتی‌ها و شکایاتی از سوی برخی مراجعین می‌شد. برای حل این مشکلات در آبان ۱۲۸۸ با پیشنهاد و تصویب وزارت عدلیه وقت (ذکاءالملک) و فرمان شاه، شرایط خاصی برای وکلا و شیوه ورود به شغل وکالت اعلام شد. بر این اساس، تمامی کسانی که قصد داشتند در عدلیه به‌طور رسمی وکالت کنند می‌بایست در امتحانی شرکت می‌کردند که در «کمیسیون امتحان اعضای عدلیه» برگزار می‌شد و مواد و جزییات انجام آن در «نظام‌نامه وکلای رسمی عدلیه» اعلام شده بود.

امتحان به‌صورت کتبی و شفاهی به‌عمل می‌آمد و مواد آن عبارت بود از: «املاء و انشاء زبان فارسی؛ رؤس مسائل فقهیه مبتلابه از معاملات و قضا و شهادات و حدود و دیات؛ قوانین موضوعه مملکتی بالاخص قانون اساسی و قانون مطبوعات و ثبت اسناد و قوانین عدلیه از تشکیلات و محاکمات حقوقی و جزائی».

همچنین برابر این نظام‌نامه، وکلا به سه درجه تقسیم می‌شدند: درجه ۱. با حق محاکمه در عموم محاکم، خصوصاً دیوان عالی کشور

درجه ۲. با حق حضور در محاکم ابتدایی و استیناف
درجه ۳. با حق حضور و طرح دعوی و دفاع در محاکم صلح.

این تصمیمات با نارضایتی و مخالفت وکلا روبرو شد. مهم‌ترین دلایل نارضایتی آن بود که اولاً، تا آن تاریخ قوانینی درباره تشکیلات قضایی و آیین دادرسی به تصویب مجلس نرسیده بود و صرف ترجمه قوانین خارجی نمی‌توانست قانون محسوب شود. ثانیاً، در شرع اسلام شرایط خاصی برای وکلا پیش‌بینی نشده بود و این صنف که مستقل از دادگستری بود، خود را ملزم به تبعیت از این نظام‌نامه نمی‌دانست؛ ثالثاً، سابقه علمی بعضی قضات متحن که خود بدون آزمون خاصی در عدلیه مشغول به کار شده بودند مورد اعتراض وکلا بود.

نهایتاً این معترضان معتقد بودند بهترین شیوه تشخیص صلاحیت آنها، بررسی دوسیه‌هایی (پرونده‌هایی) است که قبلاً در آنها وکالت کرده‌اند.

به این ترتیب اولین اختلاف جدی وکلا و دادگستری رخ داد و دو

مرحوم داور، امور مربوط به وکلا زیر نظر اداره‌ای قرار گرفت به نام «اداره احصاییه امور قضایی وزارت عدلیه». ریاست اداره احصاییه را داود پیرنیا (که البته نامش به خاطر تولید برنامه رادیویی «گلها» نیز بر سر زبان‌هاست و فرزند حسن پیرنیا بود) بر عهده داشت که علاقه خاصی به حفظ حیثیت وکلا داشت و در این راه تلاش می‌کرد و مورد علاقه و احترام وکلا بود. هم‌او بود که در تیرماه ۱۳۰۹ جمعی از وکلا را به منزل خود دعوت کرد و خبر از موافقت وزیر عدلیه با تأسیس کانون وکلا داد. در همین جلسه کیفیت تشکیل و مسائل مالی تأسیس کانون وکلا مورد بررسی قرار گرفت، به‌طوری‌که روزنامه ایران در گزارش روز ۲۱ آبان‌ماه خود این جلسه را «افتتاح نیم‌رسمی کانون» توصیف کرد.



● داود پیرنیا

۴۰ وکیل حاضر در جلسه به‌عنوان اعضای مؤسس هریک ۵۰ تومان برای مخارج تأسیس کانون به صندوق عدلیه سپردند و مقرر شد از هریک از وکلای غیرمؤسس نیز مبلغ ۳۰ (وکلا درجه اول) و ۲۰ (وکلا درجه دوم) تومان اخذ شود. محل کانون ساختمانی در حیاط دادگاه استیفاء تعیین شد که با اداره احصاییه مشترک بود.

اولین علامت رسمی کانون به شکل بیضی بود که اطراف آن شاخه سرو، وسط یک ترازو با کفه‌های مساوی و یک کتاب قانون و بالای آن شیر و خورشید نقش بسته بود. نهایتاً روز سه‌شنبه ۲۰ آبان‌ماه ۱۳۰۹، کانون وکلا به شکل رسمی و با حضور علی‌اکبر خان داور و برخی دیگر از مقامات افتتاح شد. مرحوم داور در نطق مفصل و بااهمیتی ضمن اظهار علاقه قلبی خود به وکالت، شرایط آن مقطع این شغل را توصیف کرده و از وکلا می‌خواهد برای ارتقای شأن وکالت تلاش کنند. او همچنین از مرحوم سیدهاشم وکیل به‌خاطر کمک‌هایش در راه تدوین قوانین جدید تشکر کرد و از سایر وکلا نیز برای این امر یاری خواست.



● سید هاشم وکیل

در این مراسم ریاست کانون وکلا به‌صورت افتخاری به مرحوم داور و سمت نایب‌ریسی به مرحوم پیرنیا داده شد. بخشی از نطق مرحوم داور در مراسم افتتاح کانون وکلای دادگستری را در ادامه می‌خوانید: «... جای تردید نیست که جریان محاکمات تنها نباید از روی دوسیه (پرونده) باشد و قاضی تنها روی دوسیه حکم نمی‌دهد بلکه عامل مؤثری در این مورد وجود دارد که آن موضوع وکلای مدافع است که نباید بگذارند قاضی در محاکمات و قضاوت خود از قانون منحرف نشود. این است که در تمام دنیا مطمئناً کسانی که در کارهای قضایی وارد هستند می‌دانند که بدون اینکه وکیل خوب تهیه شود، تهیه عدلیه خوب محال است. ولی از طرف دیگر اهمیت کار وکالت را آقایان می‌دانند تنها به این نیست که چه اندازه فایده دارد، بلکه اهمیت بیشتر آن به فوایدی است که مردم از آن می‌برند.» ■

۴۲ نفر از وکلا (۱۸ وکیل رسمی و ۲۴ وکیل موقت) در جلسات کمیسیون تعیین شد، او ادامه جلسات را به زمانی غیرمعلوم موکول کرد و در عمل تنها همین ۴۲ نفر برای یک‌سال مجوز وکالت دریافت می‌کردند که این امر مورد اعتراض وکلا قرار گرفت تا جایی که در مجلس شورای ملی دست به تحصن زدند. در پی این تحصن، داور طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: «قسمت اعظم شکایات مردم از عدلیه راجع به وکلاء بوده است به این معنی که در حوزه وکالتی همه قبیل اشخاص وارد شده‌اند و هیچ قید و شرطی در کار نیست. بالطبع عده‌ای از وکلاء به علت عدم اطلاع و شاید به واسطه عیب‌های اخلاقی دیگر حقوق موکلین خودشان را ضایع کرده‌اند. نمی‌توانیم مثل سابق اجازه بدهیم بدون هیچ قید و شرطی آنها وکالت کنند و مردم را اغفال نمایند. به این ملاحظات موادی راجع به وکلاء در کمیسیون اصول تشکیلات تصویب شد که درآئیه کار وکالت را مثل همه محاکم مخصوص به اشخاص کرده‌ایم که از مدرسه حقوق فارغ التحصیل شده باشند. فعلاً برای اینکه دستمان بسته نباشد و تا مدرسه حقوق به قدرکافی فارغ التحصیل بیرون بدهد قرار دادیم از بین کسانی که تا امروز وکالت کرده‌اند عده‌ای را که اطلاعاتشان در عمل معلوم شده و به امانت آنها می‌شود اعتماد کرد به‌عنوان وکیل رسمی تعیین شوند، باز از بین کسانی که وکالت کرده‌اند عده‌ای به نام وکیل موقت استخدام شده‌اند. امروز عده‌ای بی‌جهت جنجال راه انداخته و در مجلس متحصن شده‌اند. هر کسی حقی داشته باشد و صالح برای وکالت باشد کمیسیون به او پروانه خواهد داد.»

به این ترتیب جلسات کمیسیون مجدداً برگزار شد و گروه بیشتری از وکلا موفق به دریافت پروانه شدند.

۶۶

جلسه جمعی از وکلا در منزل داود پیرنیا در تیرماه ۱۳۰۹ را می‌توان «افتتاح نیمه‌رسمی» کانون وکلای ایران دانست؛ جلسه‌ای که در آن، کیفیت تشکیل و مسائل مالی تأسیس کانون وکلا مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفت.

نکته مهم دیگر آن که گرچه در متن اولیه اصول تشکیلات عدلیه، «مجمع وکلای رسمی» پیش‌بینی شده و درباره امور مربوط به وکلا به آن مرجعیت داده شده بود، این مجمع در اصلاحات بعدی به کل حذف شد. همچنین مقرر شد وکلا هرگونه مقررات و نظاماتی را وزارت عدلیه برای آنها تنظیم می‌کند اطاعت کنند. یکی از این نظامات که در مهرماه ۱۳۰۷ صادر گردید، در باب لباس وکالت بود که بدون لباس تعیین شده از سوی عدلیه (نیم‌تنه خاکی‌رنگ یقه عربی با کمر بند و شلوار و کلاه پهلوی) وکلا حق حضور در محاکم را نداشتند.

علاوه بر این وزیر عدلیه می‌توانست به محض آنکه به هر شکلی از سوء اعمال و اخلاق وکیلی مطلع شود، پیش از رسیدگی به این اتهام، او را موقتاً از وکالت منع کند.

ماده مهم دیگر، ممنوعیت هرگونه اجتماع صنفی و اعتصاب شغلی برای وکلا بود: «ماده صد و سیزدهم. اکیداً ممنوع است که حکام عدلیه و صاحب‌منصبان اداره مدعی عمومی و مستخدمین اداری و منتظرین خدمت و وکلای عدلیه دسته‌بندی یا اتحادی نمایند برای تعطیل محاکم و ادارات یا توقیف جریان امور عدلیه یا برای اقدام دیگری بهیئت اجتماع برای تقدیم اعتراض‌نامه و امثال آن. تخلف از این ماده مستلزم انفصال فوری بوده و منفسلین دیگر بخدمت وکالت در عدلیه پذیرفته نخواهند شد.»

مجموعه این شرایط باعث نارضایتی وکلا شده بود، به‌نحوی که مرحوم قوام‌الدین مجیدی در گزارش خود درباره تشکیل کانون وکلا، این مقطع (از ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۴) را «دوره بحران» توصیف می‌کند.

● فرج بعد از شدت

با حذف مجمع وکلای رسمی از اصول تشکیلات پیشنهادی

ماده ۱۲۷ این متن، در تقسیم‌بندی وکلا چنین مقرر می‌داشت: «وکلا عدلیه بر سه قسم‌اند. رسمی، موقت، اتفاقی. وکلای رسمی اشخاصی هستند که شغل خود را وکالت قرار داده و دارای تصدیق‌نامه وکالت رسمی هستند. وکلای موقت کسانی هستند که تا در محلی عده وکلای رسمی به حد کفایت نرسیده در اول هر سال به آنها اجازه وکالت داده می‌شود وکلای اتفاقی کسانی هستند که وکالت شغل آنها نیست و اگر وکالتی کنند بر سبیل اتفاق است.

تبصره. حداقل وکلای رسمی هر شهری را وزارت عدلیه معین خواهد کرد.»

اما یکی از مهم‌ترین مواد این اصول، ماده ۱۵۰ درباره شیوه صدور اجازه‌نامه وکالت رسمی و موقت بود: «برای دادن اجازه‌نامه وکالت رسمی و موقت از تاریخ افتتاح عدلیه در مرکز به ترتیب زیر رفتار خواهد شد.

وزارت عدلیه کمیسیونی از شش نفر در مرکز تعیین خواهد نمود. کمیسیون مزبور پس از اتیان سوگند از بین اشخاصی که دارای شغل وکالت هستند کسانی را که دارای اطلاعات کافی و صحت عمل تشخیص می‌دهد با رأی مخفی برای وکالت رسمی یا موقت تعیین و به وزیر عدلیه اطلاع می‌دهد. وزارت عدلیه به اشخاصی که لااقل چهار رأی صحت و اطلاعات آنها را تصدیق کرده باشد در صورتیکه آن اشخاص مطابق مواد ۱۳۱ و ۱۳۲ عمل نمایند اجازه‌نامه خواهد داد.»



● علی اکبر خان داور

در اردیبهشت ۱۳۰۶ عدلیه به‌صورت رسمی در کاخ گلستان افتتاح شد. دو هفته بعد، داور خان شش نفر از وکلا را برای تشکیل کمیسیون مقرر در ماده ۱۵۰ دعوت کرد. این شش نفر عبارت بودند از: شیخ جلال‌الدین نهاوندی، علی‌اصغر گرگانی (ماجدی)، نقیب‌زاده مشایخ، احمد شریعت‌زاده، آقا سیدهاشم (وکیل) و قوام‌الدین مجیدی.

۶۶

«اصول تشکیلات عدلیه» وکلا را موظف می‌کرد از هرگونه مقررات و نظاماتی که وزارت عدلیه برای آنها تنظیم می‌کند اطاعت کنند. یکی از شداوند این دوران، سلب حق اجتماع و اعتصاب از وکلا بود که ضمانت‌اجرای «انفصال فوری و دائم از وکالت» برای آن پیش‌بینی شده بود.

مدعوین ابتدا از قبول عضویت در این کمیسیون عذر خواستند اما نهایتاً با این شرط آن را پذیرفتند که حداقل وکلایی که وزیر عدلیه طبق ماده ۱۲۷ تعیین می‌کند، شامل تمامی کسانی بشود که در آن زمان اشتغال به وکالت دارند.

با وجود پذیرش این شرط از سوی داور خان، پس از آنکه اسامی

ماهانامه حقوقی وکلا
شماره ۷ • آذر ۱۳۹۸
صاحب امتیاز،
مدیر مسئول و سردبیر:
سیاوش هوشیار
دبیر تحریریه:
مونا زنده دل
اعضای تحریریه:
سید سبحان هوشیار امامی
فرزانه صفری
طرح روی جلد:
حسام جوادزاده
صفحه آرا:
مجید چاکری
نشانی:
مشهد
بلوار سجاد
چهارراه بزرگمهر
مجمع سارسل
واحد ۱۰
تلفن:
۰۵۱) ۳۷۶۰۰۳۴۸
نمابر:
۰۲۱) ۸۹۷۸۱۴۶۱
تلگرام:
@vokalamag
vokalamag@yahoo.com
www.vokalamag.ir

اشتراک
برای اشتراک ۶ شماره
ماهانامه حقوقی وکلا
می توانید مبلغ
۶۰۰۰۰ تومان
به کارت بانکی شماره
۶۰۳۷۹۹۷۴۴۹۶۷۲۵۹۲
به نام سیاوش هوشیار حسینی
واریز و فیش پرداختی را
به همراه نام، نام خانوادگی و
نشانی دقیق پستی
از طریق نمابر، رایانامه یا تلگرام
ارسال کنید.

چنانچه این نشریه رایگان
به دست شما رسیده است
در صورت تمایل
می توانید قیمت آن را
به کارت بانکی شماره
۶۰۳۷۹۹۷۴۴۹۶۷۲۵۹۲
به نام سیاوش هوشیار حسینی
واریز کنید.

ماهانامه حقوقی وکلا
از همه وکلا و کارآموزان وکالت،
قضات و مرتبطان دستگاه قضا و
اساتید و صاحب نظران
دعوت می کند تا
دیدگاه ها و مطالب خود را
مسابقات حقوقی روز و
نقد و تحلیل آراء و
رویه های قضایی جدید را جهت
انتشار به این نشریه ارسال کنند.
ماهانامه «وکلا»
در تلخیص و ویرایش مطالب
آزاد است

چهار گوشه



آیین نامه اجرایی ماده (۱۳) قانون حفاظت از حقوق معلولان

موضوع مصوبه شماره ۱۰۱۵۱۴/ت/۵۶۰۶۷ هـ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۴ هیأت وزیران، معافیت های مربوط به پرداخت حق بیمه است. معافیت های موضوع این آیین نامه به شرح زیر است:

- ۱- معافیت کارفرمایان از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایی برای افراد دارای معلولیت در ازای به کارگیری معلولان جویای کار.
- ۲- معافیت خویش فرمایان از پرداخت حق بیمه سهم خویش فرمایی برای افراد دارای معلولیتی که به صورت خوداشتغالی یا در کارگاه های اشتغال خانگی یا از طریق مراکز پشتیبانی شغلی مشغول به کار هستند.



تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۹۱/۸/۲۱ رئیس قوه قضاییه

این تعرفه با ۵۸ ماده و ۲۷ تبصره جایگزین تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری، مصوب ۱۳۹۲/۷/۳۰ شد و در روزنامه رسمی نیز منتشر گردید. بعدتر اما مدیرکل دبیرخانه قوه قضاییه با ارسال نامه ای به معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری اعلام کرد که می بایست از اجرای این دستورالعمل تا اطلاع ثانوی خودداری شود و زمان اجرای آن متعاقباً اعلام می شود.



رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص استفاده رزمندگان از مزایای خدمت داوطلبانه

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۲۳۹۷ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۴ خود اعلام کرد که بند ۳ مصوبه ستاد کل نیروهای مسلح موضوع: «احتساب سه چهارم مدت خدمت وظیفه به عنوان خدمت داوطلبانه» صرفاً در سطح نیروهای مسلح قابلیت اجرا دارد و قابل تسری به سایر دستگاه های اجرایی نیست. اهمیت این رأی در آن است که از سال ۱۳۹۶ و با تغییر برخی قوانین مربوط به مصادیق سهمیه ایثارگران، داوطلبان بسیاری در آزمون های مختلف (از جمله وکالت و آزمون های ورودی دانشگاه) با دریافت گواهی خدمت داوطلبانه بر مبنای سه چهارم خدمت وظیفه پدران خود، از سهمیه آزمون استفاده کردند.



رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص آزمون سردفتری ۹۷

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۲۴۷۵ الی ۲۵۸۱ روز ۲۸ آبان ماه خود، بند ۷ آگهی آزمون سردفتری سال گذشته را ابطال کرد. این بند، ثبت نام صاحبان برخی مشاغل مانند قضاوت و وکالت را در این آزمون ممنوع اعلام کرده بود. این هیأت همچنین خواسته ای دیگر داوطلبان برای ابطال فرایند اجرایی آزمون را در صلاحیت شعبه دیوان عدالت اداری دانست و پرونده ها را به شعبه دیوان ارجاع کرد.



قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱

در این قانون مجازات های جرم اسیدپاشی تشدید شده و حتی اقدام مرتکب با حصول شرایطی می تواند مصداق افساد فی الارض محسوب شود. از نکات مهم این قانون آن است که مرتکب علاوه بر جبران خسارت های مقرر در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ملزم به پرداخت هزینه های درمان بزه دیده می باشد. همچنین در مواردی که مرتکب متمکن از پرداخت هزینه های درمان نباشد، هزینه های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت خواهد شد. به دعاوی و شکایات مربوط به جرائم این قانون خارج از نوبت رسیدگی می شود.



قانون پایانه های فروشگاهی و سامانه مؤدیان مصوب ۹۸/۷/۲۱

این قانون مهم که در راستای شفافیت مالیاتی مؤدیان تنظیم و تصویب شده است، تمام مؤدیان مالیاتی را موظف می کند تا در سامانه مؤدیان ثبت نام کنند. همچنین از تمام خرده فروشی ها و واحدهای صنفی که مستقیماً با مصرف کننده نهائی ارتباط دارند می خواهد تا به نصب پایانه فروشگاهی بپردازند.



آرای وحدت رویه شماره ۷۷۹، ۷۸۰ و ۷۸۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در این سه رأی که در مقام رفع تعارض بین شعب دیوان عالی کشور صادر گردیده، سه موضوع زیر مورد تصریح قرار گرفته است:

- جمع شرط تنصیف دارایی با اجرت المثل زوجه (یا نخله بدل از آن) تنافی و تعارض ندارد؛
- عدم ابطال تمبر مالیاتی یا نقص آن بر روی فرم وکالتنامه وکیل از موارد اخطار رفع نقص است؛

- حکم قانون بیمه اجباری ... مصوب ۱۳۹۵ نسبت به بیمه نامه های موضوع بند (ب) ماده ۱۱۵ قانون برنامه توسعه پنجم نیز که بعد از تصویب آن قانون در سال ۱۳۸۹ تنظیم شده ولی خسارات بدنی راننده پرداخت نگردیده قابل تسری و تعمیم است.



طرح دو فوریتی «تقلیل مجازات حبس تعزیری» این طرح ضمن تقلیل مجازات های حبس (بالای شش ماه) به نصف مدت مقرر، از ممنوعیت حبس کلیه متهمین و محکومین جزایی در سلول انفرادی نیز صحبت به میان آورده است. کلیات این طرح به تصویب نمایندگان ملت رسیده و برای بررسی بیشتر به کمیسیون قضایی و حقوقی ارسال شده است.



«فاچاق» محسوب کردن واردات کالا با کارت بازرگانی متعلق به دیگری

۸ آبان ماه بخشنامه ای در رسانه ها با امضای حجت الاسلام محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، منتشر گردید. در این بخشنامه از «هرنوع معامله یا اعطای وکالت برای استفاده از کارت بازرگانی دیگری» به عنوان مصداق بزه «فاچاق» یاد شده است. همچنین به دفاتر اسناد رسمی نیز هشدار داده شده که تنظیم هرگونه سند دال بر اعطای وکالت در این زمینه می تواند به عنوان معاونت در جرم مذکور قلمداد گردد.